

پله پله تا بهشت

ویژه مبلغان و مربیان



مرکز فرهنگی تبلیغی آینده سازان

بهار - 92



فهرست

سخن اول

6.....

8..... بهره‌های تربیتی و اخلاقی از ماه رجب

ایام اعتکاف، ایام انس با پروردگار

30.....

33..... آثار اعتکاف در سبک زندگی دینی:

33..... الف: آثار اخروی اعتکاف

34..... نزدیکی به خدا

35..... جلب محبت خدا

35..... تحصیل بهشت الهی

36..... ب: آثار دنیوی اعتکاف

36..... تقویت اراده

36..... انس با معنویات

37..... دوری از غفلت

37..... تواضع و فروتنی

37..... کاهش جرم و فساد

38 آشنایی و برقراری ارتباط دوستانه

اعتکاف در کلام آیت الله

38 جوادی آملی

..... در اعتکاف چه از خدا بخواهیم ؟

47

48 حاجت های خود را جهانی کنید

49 اعتکاف؛ توقف برای حرکت

54 فرصتی برای مسافرت به درون

طرح درس اعتکاف (نماز)

55

55 شروع با احادیثی در فضیلت ماه رجب و اعتکاف

58 چه کاری برای امام زمان مهم تر از اقامه نماز است؟

59 پاک نمودن یک سخن غلط

60 ایجاد اعتماد به نفس درون مخاطب

آشنایی با اعتکاف واحکام آن

62

..... اعمال ایام البیض (13، 14، 15 رجب)

87

- 87 روز سیزدهم
- 87 اعمال شب نیمه ماه رجب
- 88 اعمال روز نیمه رجب
- 95 تاثیر اقامه نماز در شفای دردها
- 101 تاثیر اقامه نماز در آرامش
- 104 استمداد از نماز در برابر سختی‌ها و مشکلات
- 105 2. اعطاء یک نوع آگاهی فوق آگاهی‌های طبیعی
- 105 3. ارتقاء شخصیت به انسان می‌دهد
- 106 تاثیر سجده در قرب به پروردگار عالم

سخن اول

یکی از سنت‌های حسنه و مستحبات اسلامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی احیاء گردید، سنت مبارک اعتکاف است. این سنت، در طول تاریخ اسلام و ادیان آسمانی طرفداران و عاملانی داشته و در بلاد اسلامی به طور عموم و شهرهای شیعه و مراکز حوزوی به طور خاص مورد توجه بوده است.

مساجد شهرهای مقدس نجف و کربلا و کاظمین و سامرا و مشهد و قم و اصفهان و شیراز و بسیاری دیگر از شهرهای شیعه، خاطره حضور پر نور نیایشگران و معتکفان «ایام البیض» ماه رجب و احیانا دهه آخر ماه رمضان را در سینه دارند.

این عبادت که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حالت فراگیر و عمومی نداشت، در چند ساله اخیر در میان جمع کثیری از صالحان و نیکان و خواهران و برادران دینی از اقشار گوناگون اجتماعی به ویژه دانشجویان و طلاب، متداول گردیده است و مساجد بسیاری از شهرهای ایران و جهان اسلام پذیرای مهمانان خدا در ایام البیض ماه پر برکت رجب است.

از آنجا که اشتغال انسان به کار و زندگی و مسؤولیت‌های اجتماعی، گاهی موجب غفلت می‌شود، و توجه به کار، گاه از توجه به هدف باز می‌دارد و سبب می‌شود وظیفه بزرگ یاد خدا و توجه به خود سازی و مبدا و منتهای هستی فراموش شود، اعتکاف، آب حیات بخش در کویر غفلت‌هاست.

غفلت از «خود» و «خدای خود»، بستر مرگ ارزش‌های انسانی و نقطه سقوط از پایگاه بلند خردورزی و عشق عرفانی و عامل پیوستن به زندگی پست و حیوانی است.

اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون (اعراف/179)

اعتکاف، بستر مناسب اندیشه و تفکر و خردورزی است.

اعتکاف، تلاشی است برای اینکه انسان‌های فرو رفته در غرقاب روزمره‌گی‌ها از فضای پر التهاب روزانه به سوی «خویش» و «خدای خویش» باز گردند. اعتکاف زمینه توبه و بازگشت است. بازگشت به قرآن و معنویت، بازگشت به دعا و استمداد از عالم غیب، بازگشت از «خودمداری» به «خداگرایی». آنها که مسئولیت‌های حساس‌تر و بزرگ‌تری دارند، بیش از دیگران به اعتکاف و خودسازی نیاز دارند.

بی‌جهت نیست که شخص رسول الله 6 پس از هجرت، همه ساله دهه اول یا دوم و گاه هر دو دهه و در سال‌های آخر زندگی به طور منظم دهه سوم ماه مبارک رمضان را به «اعتکاف» می‌پردازد و به همه دست‌اندرکاران و کارگزاران و رجال سیاسی، اجتماعی درس معنویت‌گرایی و ذکر و نیایش و روزه و تلاوت قرآن می‌دهد. اعتکاف، توقیفی ناآگاهانه در مسجد نیست. صرف درنگ و مکث و «حبس خویشتن» در مسجد، بدون عشق به عبادت و قصد قربت نیست.

اعتکاف، لمیدن خوابیدن و چرت زدن و احیانا وقت‌گذرانی بیکاران و گردهمایی تفریحی-سیاحتی در مساجد بزرگ شهر نیست.

در اعتکاف کسانی که کار دارند و زیاد هم کار دارند، و غرق دنیای اقتصاد و سیاست و هنر و مطبوعات و غیره هستند، باید از تولید و توزیع و طرح و برنامه‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و نظامی و کار و زندگی فاصله به گیرند و به هماهنگی کار و تلاش و فعالیت‌ها، با رضای خدا و وظیفه مکتبی بیاندیشند. تنظیم فکر و اندیشه و عمل، با معیارهای الهی را تمرین کنند.

کار برای امت و تامین حوائج نیازمندان، تشیع پیکر شهیدان و مؤمنان، عیادت بیماران و هر کاری که در آن، خود مطرح نیست و انگیزه الهی دارد، با اعتکاف سازگار است و حتی در برخی احادیث قضای حوائج مؤمنان از اعتکاف برتر شناخته شده است.

اعتکاف، دوره کوتاه مدت خودسازی است، که حداقل سه روز طول می‌کشد و انسان را از حاکمیت غریزه‌ها، عادت‌ها و اشتغالات معمول زندگی آزاد می‌سازد.

اعتکاف، محو خودخواهی در امواج بلند خداگرایی و خدمت به امت اسلامی است. اعتکاف، برون رفتن از خانه خویش و مصمم شدن بر حضور در خانه حضرت حق است. عبادتی مستحبی و تقرب جویانه و داوطلبانه است که روزه روز سوم آن رنگ و جوب می‌گیرد.

اعتکاف، گریز از لذت گرایی و هر گونه التذاذ جنسی و مهار حس خود محوری و برتری جوئی و بازگشت از قبله دنیاگرایان به سمت و سوی قلب و قبله هستی است. خود سازی، محاسبه نفس، توبه و نیایش، نماز و تلاوت قرآن و استمداد از آستان قدس ربوبی از دیگر برکات «اعتکاف» است.

در پایان از همه عاکفان حضرت دوست و مؤمنان معتکف در مساجد میهن اسلامی صمیمانه می‌خواهیم، برای زلال شدن دریای قلب‌ها و صاف شدن آسمان اندیشه مسلمین و تحکیم دوستی بین یاران و دوستان انقلاب اسلامی و ظهور مصلح کل حضرت بقیت الله الاعظم 7 دعا کنند و عزت و عظمت فرزندان امام خمینی قدس سره را همراه با سلامت و موفقیت رهبر بزرگوار انقلاب - حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای و مراجع عظیم الشان جهان تشیع از خدای بزرگ تمنا کنند.

بهره‌های تربیتی و اخلاقی از ماه رجب

فضیلت ماه رجب و نقش آن در تزکیه و خودسازی

اگر انسان غرق خواب غفلت نباشد و درزمره‌ی بیداردلان و هشیاران باشد، با چشم جان می‌یابد که محتاج رحمت واسعه‌ی الهی است، و حیات آدمی و دیگر پدیده‌ها

وابسته به خداوند است. انسان در آثار و افعال خود نیز سرشار از رحمت و فیض الهی می‌گردد. گاه بارش رحمت الهی شدت گرفته و پیوسته و بسیار بر بندگان می‌بارد و تشنگان وصال و خستگان کاروان دنیا را سیراب و سرمست خود می‌سازد. ماه رجب، ماه مهربانی و رحمت است؛ ماهی که در آن ریزش باران الهی شدت بیش‌تری می‌گیرد؛ در این باره، امام رئوف، امام رضا⁷ از پدران بزرگوار خود حدیثی را نقل می‌فرمایند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ 6 رَجَبٌ شَهْرُ اللَّهِ الْأَصْبُّ، يَصُبُّ اللَّهُ فِيهِ الرَّحْمَةَ عَلَى عِبَادِهِ؛ رسول خدا⁶ فرمود: رجب ماه اصَب (ریزان و پربارش) خدا است که خداوند رحمت خود را بر بندگان خود فرو می‌ریزد».

شایسته و سزاوار است که انسان در این ماه رحمت، کام جان خود را به شهد شیرین و گوارای رحمت رجب، تازه سازد. در روایتی از امام کاظم⁷ آمده است: «رَجَبٌ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ مَنْ صَامَ يَوْماً مِنْ رَجَبٍ سَقَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ ذَلِكَ النَّهْرِ؛ رجب نهري است در بهشت که سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از عسل است، هر که یک روز از رجب را روزه بدارد، خداوند عَزَّوَجَلَّ به او از آن نهر می‌نوشاند».

انسان می‌تواند از ماه رحمت و برکت رجب بهره برد و خود را با کشتی رحمت الهی، به ساحل سعادت و بندگی برساند. در ماه مهربان رجب بود که کشتی نجات الهی، مؤمنان را بر دوش گرفت و بر امواج رحمت الهی، آنان را وارثان زمین ساخت. در حدیثی از امام صادق⁷ در این باره آمده است: «إِنْ نُوحَا⁷ رَكِبَ السَّيْفِينَةَ أَوَّلَ يَوْمٍ

¹. بحار الانوار، ج 94، ص 36.

². همان، ص 37.

مِنْ رَجَبٍ فَأَمَرَ مَنْ كَانَ مَعَهُ أَنْ يَصُومُوا ذَلِكَ الْيَوْمَ؛ نوح 7 در نخستین روز رجب بر کشتی سوار شد و به همراهان خود فرمان داد تا آن روز را روزه بگیرند».

ندای فرشته و سخن خدای سبحان در شب‌های ماه رجب

در فضیلت و بزرگی این ماه، همین بس که خداوند سبحان فرشته‌ای را در آسمان هفتم گماشته تا در ماه رجب به ذاکران بیدار دل و طاعت کنندگان خداوند بشارت خوش‌بختی دهد. خدای تعالی در این ماه بندگان خود را به هم‌نشینی با خود فرا می‌خواند و آنان را به برآورده شدن خواسته‌ها و بهره‌مندی از هدایت و وصال خویش بشارت می‌دهد. از پیامبر مکرم اسلام 6 چنین روایت شده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَصَبَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ مَلَكًا يُقَالُ لَهُ الدَّاعِي فَإِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ يُنَادِي ذَلِكَ الْمَلِكُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى الصَّبَاحِ طُوبَى لِلذَّاكِرِينَ طُوبَى لِلطَّائِعِينَ وَ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى أَنَا جَلِيسٌ مَنْ جَالَسَنِي وَمُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَنِي وَ غَافِرٌ مَنْ اسْتَغْفَرَنِي الشَّهْرُ شَهْرِي وَالْعَبْدُ عَبْدِي وَالرَّحْمَةُ رَحْمَتِي فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ أُجِبْتُهُ وَ مَنْ سَأَلَنِي أُعْطِيْتُهُ وَ مَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ وَ جَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَ بَيْنَ عِبَادِي فَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِ وَصَلَ إِلَيَّ؛ خدای تعالی مَلکی را در آسمان هفتم قرار داده است که به آن داعی (دعوت کننده) می‌گویند. هر گاه ماه رجب فرا می‌رسد، آن مَلک هر شب تا به صبح بانگ برمی‌دارد که خوشا به حال ذاکران، خوشا به حال طاعت‌کنندگان، و خداوند تعالی می‌فرماید: من همنشین کسی هستم که با من همنشینی کند و مطیع کسی هستم که از من اطاعت کند، و غافر و بخشنده‌ی کسی هستم که از من بخشش بخواند. ماه، ماه من است و بنده، بنده من است و رحمت رحمت من؛ پس هر که در این ماه مرا بخواند، او را اجابت می‌کنم و هر که از من بخواند، به او خواهم داد و هر که از من

1. همان، ص 35.

2. بحار الانوار، ج 95، ص 377.

هدایت بطلبید، او را هدایت می‌کنم. و این ماه را ریسمان میان خود و بندگانم قرار دادم، پس هر کس به آن تمسک جوید، به من خواهد رسید». باید بکوشیم در این ماه رحمت، ندای آسمانی ما را در برگیرد و پیش از آن که این ریسمان الهی برداشته شود، با توصل به آن، به وصال پروردگار نزدیک‌تر گردیم.

ماه رجب، ماه آمادگی برای ماه رمضان

عالم وارسته، سید ابن طاووس؛ در کتاب معروف خود اقبال الاعمال، اعمال سال را از ماه مبارک رمضان آغاز کرده است و محدث قمی در کتاب مفاتیح الجنان، سرآغاز سال عبادی را ماه رجب قرار داده است. حال باید دید که با توجه به این که سید بزرگوار و محدث ارجمند درصدد بیان برنامه و سیر عبادی سالیانه هستند، راز و رمز این تفاوت چیست و کدام یک برای برنامه‌ریزی عبادی و سیر به سوی محبوب مناسب‌تر است؟

نام دقیق کتاب ارزشمند سید بن طاووس "الاقبال بالاعمال الحسنه" است. اگر سید؛ درصدد برشمردن اعمال بافضیلت و ثواب آن‌ها باشد و بخواهد کتاب را از با فضیلت‌ترین ماه‌ها آغاز کند، بی‌شک ماه مبارک رمضان برترین ماه، و فضیلت آن نیز از دیگر ماه‌ها بالاتر است. از همین رو، وقتی پیامبر 6 فضیلت‌های بی‌شمار ماه رجب را برمی‌شمارند، به برتری ماه مبارک رمضان بر آن تصریح می‌فرمایند. در روایتی در تفسیر امام حسن عسکری 7 چنین آمده است: «قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ثَوَابُ رَجَبٍ أَكْبَرُ أَمْ ثَوَابُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ 6 لَيْسَ عَلَى ثَوَابِ رَمَضَانَ قِيَاسٌ وَلَكِنْ شَهْرُ رَجَبٍ شَهْرٌ عَظِيمٌ؛ از رسول خدا 6 پرسیدند: ای رسول خدا! ثواب رجب بیش‌تر است یا ماه

رمضان؟، پس رسول خدا⁶ فرمود: چیزی همانند با ثواب ماه رمضان نیست، اما ماه رجب هم ماه بزرگی است».

با شروع ماه رجب الاصب، فصل تازه‌ای از خودسازی آغاز می‌شود و زمینه شکوفایی استعداد درونی انسان و رشد بیش‌تر او فراهم می‌گردد. انسان با خودسازی و پالایش خویشتن، استعداد و ظرفیت گسترده‌تری برای حضور در ضیافت و میهمانی الهی در ماه مبارک رمضان می‌یابد و بدین‌سان می‌تواند بهره‌افزون‌تری از این سفره و مآذبه الهی نصیب خود گرداند. از همین رو، ماه رجب و شعبان زمینه و پیش‌نیاز ماه رمضان و مقدمه‌ای برای آن به شمار می‌رود و شاید محدث ارجمند شیخ عباس قمی¹، بر این اساس، سال عبادی را از رجب آغاز کرده‌اند.

با تأمل در آداب رؤیت هلال ماه رجب و دعای آن می‌توان دریافت که ماه رجب، نقش سازنده‌ای در ایجاد آمادگی در انسان برای بهره‌مندی از برکات ماه رمضان دارد. پیامبر⁶ در دعای آغاز ماه رجب از خدای قادر، توفیق درک ماه مبارک رمضان را می‌خواهند؛ «أَنَّهُ كَانَ إِذَا رَأَى هَلَالَ رَجَبٍ قَالَ اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي رَجَبٍ وَ شَعْبَانَ وَ بَلِّغْنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَ أَعِنَّا عَلَى الصِّيَامِ وَ الْقِيَامِ وَ حِفْظِ اللِّسَانِ وَ غَضِّ الْبَصَرِ وَ لَا تَجْعَلْ حَظَّنَا مِنْهُ الْجُوعَ وَ الْعَطَشَ»؛ پیامبر⁶ هرگاه هلال ماه رجب را می‌دیدند، می‌فرمودند: پروردگارا! رجب و شعبان را بر ما مبارک گردان و ما را به ماه رمضان برسان، و ما را بر روزه و قیام و حفظ زبان و فرو انداختن چشم، یاری فرما و بهره‌ما از آن را تشنگی و گرسنگی قرار مده».

به هم پیوستگی این سه ماه و نقش ماه رجب و شعبان، در درک کامل و بهتر ماه بزرگ خدا را می‌توان از روایت پیش رو دریافت. در این روایت بر حرمت رجب و شعبان، و عظمت و برتری ماه رمضان تصریح شده و از شهادت این سه ماه ارجمند

¹. همان، ج 95، ص 376.

در روز جزا، خبر داده شده است. در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری⁷ روایت شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ 6 إِنَّ مَنْ عَرَفَ حُرْمَةَ رَجَبٍ وَ شَعْبَانَ وَ وَصَلَهُمَا بِشَهْرِ رَمَضَانَ شَهْرَ اللَّهِ الْأَعْظَمِ شَهِدَتْ لَهُ هَذِهِ الشُّهُورُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ كَانَ رَجَبٌ وَ شَعْبَانُ وَ شَهْرُ رَمَضَانَ شُهُودَهُ بِتَعْظِيمِهِ لَهَا وَ يُنَادَى مُنَادٍ يَا رَجَبُ يَا شَعْبَانُ وَ يَا شَهْرَ رَمَضَانَ كَيْفَ عَمَلُ هَذَا الْعَبْدِ فِيكُمْ وَ كَيْفَ طَاعَتُهُ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَيَقُولُ رَجَبٌ وَ شَعْبَانُ وَ شَهْرُ رَمَضَانَ يَا رَبَّنَا مَا تَزَوَّدَ مِنَّا إِلَّا اسْتِعَانَةً عَلَى طَاعَتِكَ وَ اسْتِمْدَاداً لِمَوَادِّ فَضْلِكَ وَ لَقَدْ تَعَرَّضَ بِجُهِدِهِ لِرِضَاكَ وَ طَلَبَ بِطَاقَتِهِ مَحَبَّتَكَ! رسول خدا⁶ فرمود: هر کس حرمت رجب و شعبان را بشناسد و آن دو را به ماه رمضان، ماه بزرگ خدا پیوند دهد، این ماه‌ها در روز قیامت به سود او شهادت خواهند داد، و رجب و شعبان و ماه رمضان بر تعظیم و گرامیداشت خود، از سوی او شاهد خواهند بود و منادی ندا دهد: ای رجب! ای شعبان! و ای ماه رمضان! عمل این بنده در شما و اطاعت او از خدای عزَّوَجَلَّ چگونه بود؟ پس رجب و شعبان و ماه رمضان می‌گویند: ای پروردگار ما! از ما جز برای طاعت تو و بهره‌مندی از فضل تو، توشه نگرفت و با تلاش خویش، خود را در معرض خشنودی تو قرار داد و با طاقت و توان خود محبت تو را طلبید».

تحقیق رجعت انسان‌های خودساخته و خودباخته در ماه رجب

در ماه رجب، انسان به خودسازی می‌پردازد و به حقیقت الهی خویش باز می‌گردد. رجعت و بازگشت دیگری نیز در رجب اتفاق خواهد افتاد و آن تحقق وعده‌ی الهی و تبلور یکی از باورهای اصیل و عمیق شیعه است. عقیده به اصل رجعت از ضروریات و مسلمات مذهب حقه است و بر اساس روایات اهل بیت، در آخر الزمان برخی از مؤمنان و برخی از کافران از خاک برمی‌خیزند و دوباره زنده می‌شوند.

¹. بهار الانوار، ج 94، ص 38.

موضوع رجعت با مسأله انتظار و مهدویت پیوندهای عمیقی دارد، هر چند علم و اعتقاد به جزئیات مسأله رجعت و کسانی که به دنیا باز می‌گردند، ضروری نیست و از سوی دیگر هم، بسیاری از مسائل مرتبط با رجعت از سوی اهل بیت: بیان نشده است.

به تحقیق رجعت در زمان ظهور و وقوع آن در ماه رجب در برخی روایات اشاره شده است؛ امام صادق⁷ می‌فرماید: «إِذَا آنَ قِيَامُ الْقَائِمِ مُطِرَ النَّاسُ جُمَادَى الْآخِرَ وَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ مَطَرًا لَمْ تَرَ الْخَلَائِقُ مِثْلَهُ، فَيُنْبِتُ اللَّهُ بِهِ لُحُومَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَبْدَانَهُمْ فِي قُبُورِهِمْ، وَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ مُقْبِلِينَ مِنْ قَبْلِ جَهَنَّمَ يَنْفُضُونَ شُعُورَهُمْ مِنَ التُّرَابِ؛ چون زمان قیام قائم فرا رسد، در ماه جمادی الاخری و ده روز از رجب چنان بارانی ببارد که مردم مانند آن را ندیده باشند، پس خداوند به سبب آن باران، گوشت و استخوان مؤمنان را در قبرهایشان برویاند. گویی آنان را می‌نگرم که از طرف جُهنمه (نام قبیله‌ای عربی) خاک از موهایشان می‌تکانند و می‌آیند».

رجب ماه استغفار و استغفار زمینه‌ی تهذیب

سنگینی بار، انسان را از سرعت در سیر باز می‌دارد و گناهان بسیار نیز، آدمی را از رسیدن به سعادت و دیدار یار محروم می‌سازد. آلودگی گناه، سلامت جان انسان را می‌گیرد و امکان بهره‌مندی از فضیلت‌ها و زیبایی‌های حقیقی و ابدی را از انسان دور می‌سازد. استغفار و طلب بخشش و غفران از خداوند، باعث می‌شود که انسان سبک‌بار گردد و ظرف جان او نظیف و پاکیزه شود. استغفار از لوازم حتمی خودسازی است که پس از این نیز به آن اشاره خواهد شد.^۲

1. همان، ج 53، ص 90.

2. به فصل ششم رجوع کنید.

استغفار، در ماه رجب که بنده خود را مہیای مہمانی پروردگار مہربان می‌سازد، ضروری‌تر و زینہ‌تر است. سید ابن طاووس در «اقبال» روایتی را درباره فضیلت و اجر استغفار در ماه رجب نقل می‌کند: «مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ فِي رَجَبٍ وَ سَأَلَهُ التَّوْبَةَ سَبْعِينَ مَرَّةً بِالْغَدَاةِ وَ سَبْعِينَ مَرَّةً بِالْعَشِيِّ يَقُولُ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ فَإِذَا بَلَغَ تَمَامَ سَبْعِينَ مَرَّةً رَفَعَ يَدَيْهِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ تُبَّ عَلَيَّ فَإِنْ مَاتَ فِي رَجَبٍ مَاتَ مَرْضِيًّا عَنْهُ وَ لَا تَمَسُّهُ النَّارُ بِرَكَةِ رَجَبٍ؛ هر کس در رجب استغفار کند و از او توبه مسألت نماید، هفتاد بار در روز و هفتاد بار در شب بگوید «اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» و چون هفتاد بار به پایان رسید، دست به آسمان بلند کند و بگوید «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ تُبَّ عَلَيَّ» (پروردگار! مرا ببخش و توبه‌ام را بپذیر)؛ پس اگر در رجب بمیرد، از دنیا رفته است در حالی که مرضی خداوند بوده است، و به برکت رجب آتش به او آسیب نمی‌زند».

نقش محوری توحید در خودسازی رجبیہ

انسان سالک کوی لقای الهی و بنده‌ی بیدار و ذاکر حق، به روشنی درمی‌یابد که مغز و باطن همه عبادات و اذکار و ادعیه، توحید و یگانگی خداوند سبحان است. همه‌ی عبادات و اعمال شرعی و عبادی می‌کوشند تا انسان را از بند نفس و خودبینی برهانند و به دایره‌ی توحید وارد نمایند. انسان هر چه در توحید استوارتر شد و توحید در لایه لایه جان او نفوذ و رسوب کرد، نورانی‌تر می‌شود و فرشتگان به او بشارت بهشت می‌دهند و مبارک می‌گردد و به مقام قرب مفتخر می‌گردد.

تهلیل، کلمه لا اله الا الله، شعار دین اسلام و حصن حصین آن است که رسالت و دعوت مردم به دین با آن آغاز شد. در فضیلت این ذکر در ماه رجب از پیامبر 6 روایت شده است: «مَنْ قَالَ فِيهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَلْفَ مَرَّةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ أَلْفٍ حَسَنَةٍ وَ

بَنَى اللَّهُ لَهُ مَائَةً مَدِينَةٍ فِي الْجَنَّةِ؛ هر کس در ماه رجب هزار بار لا اله الا الله بگوید، خداوند برایش هزار حسنه بنویسد و صد شهر در بهشت برای او بسازد.

سوره توحید شناسنامه پروردگار احد و صمد است و برای قرائت آن فضیلت بی شمار و بسیار نقل شده است. قرائت این سوره شریفه در ماه رجب فضیلتی افزون و مضاعف دارد؛ از پیامبر 6 روایت شده است: «مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَائَةً مَرَّةً بُورِكَ لَهُ وَعَلَى وَلَدِهِ وَأَهْلِهِ وَجِرَّانِهِ وَمَنْ قَرَأَهَا فِي رَجَبٍ بَنَى اللَّهُ لَهُ اثْنَيْ عَشَرَ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ؛ هر کس سوره‌ی توحید را صد بار بخواند، برای او و در فرزندان و اهل و همسایگانش برکت قرار داده می‌شود و هر کس آن را در رجب بخواند، خداوند برای او دوازده قصر در بهشت بنا سازد».

در روایتی دیگر نقل شده است: «مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ أَلْفَ مَرَّةٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِعَمَلِ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَلْفِ مَلَكٍ وَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ أَقْرَبَ إِلَى اللَّهِ مِنْهُ إِلَّا مَنْ زَادَ عَلَيْهِ وَإِنَّهَا لَتُضَاعَفُ فِي شَهْرِ رَجَبٍ؛ پیامبر 6 فرمود: هر کس "قل هو الله احد" را هزار مرتبه قرائت کند، روز قیامت عمل هزار پیامبر و هزار فرشته در کارنامه‌اش نوشته می‌شود و هیچ کس به خداوند نزدیک‌تر از او نخواهد بود، مگر کسی که بر آن بیفزاید و این فضیلت در ماه رجب مضاعف می‌گردد» و «أَنَّ مَنْ قَرَأَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ مِنْ رَجَبٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَائَةً مَرَّةً كَانَ لَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَسْعَى بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ؛ هر کس در روز جمعه ماه رجب صد بار «قل هو الله احد» را بخواند، در روز قیامت برای او نوری خواهد بود که او را با شتاب به بهشت می‌برد».

1. وسائل الشیعه، ج 10، ص 484.

2. همان، ص 485.

3. همان.

4. وسائل الشیعه، ج 10، ص 484.

نقش روزهی ماه رجب در خودسازی

در مورد فضیلت روزه در ماه رجب روایات فراوانی در کتب شریف روایی نقل شده است که به ذکر دو نمونه از آن اکتفا می‌کنیم:

امام کاظم⁷ پس از تعظیم و تذکر اهمیت ماه رجب، ثواب و پاداش روزه ماه رجب را برمی‌شمارند: «رَجَبٌ شَهْرٌ عَظِيمٌ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتُ وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتُ مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ تَبَاعَدَتْ عَنْهُ النَّارُ مَسِيرَةَ سَنَةٍ وَ مَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ¹؛ رجب ماه با عظمتی است که خداوند حسنات را در آن مضاعف، و سیئات را در آن محو و نابود می‌کند. هر کس یک روز در رجب روزه بگیرد، آتش از او به اندازه‌ی مسیر یکسال دور می‌گردد و اگر کسی سه روز را روزه بگیرد، بهشت بر او واجب می‌شود».

عظمت و حرمت ماه رجب به حدی است که با روزهی آن انسان اهل کرامت الهی می‌گردد و در روز قیامت بدان شناخته و تکریم می‌گردد. از امام باقر⁷ چنین نقل شده است: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٌ مِنْ بَطْنِ الْعَرْشِ أَيْنَ الرَّجَبِيُّونَ فَيَقُومُ أَنَاثُ يَضِيءُ وَجُوهُهُمْ لِأَهْلِ الْجَمْعِ عَلَى رُءُوسِهِمْ تَبْجَانُ الْمَلِكِ مُكَلَّلَةً بِالذَّرِّ وَالْيَاقُوتُ مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ أَلْفُ مَلِكٍ عَنْ يَمِينِهِ وَ أَلْفُ مَلِكٍ عَنْ يَسَارِهِ وَ يَقُولُونَ هِنِيئًا لَكَ كَرَامَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَا عَبْدَ اللَّهِ قِيَامِي النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ جَلَّ جَلَّاهُ عِبَادِي وَ إِمَائِي وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَأَكْرِمَنَّ مَثْوَاكُمْ وَ لَأُجْزِلَنَّ عَطَايَاكُمْ وَ لَأَوْتِيَنَّكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ إِنَّكُمْ تَطَوَّعْتُمْ بِالصَّوْمِ لِي فِي شَهْرِ عَظُمَتْ حُرْمَتُهُ وَ أُوجِبْتُ حَقَّهُ مَلَائِكَتِي أَدْخِلُوا عِبَادِي وَ إِمَائِي الْجَنَّةَ²؛ در روز قیامت منادی از عرش

1. من لايحضره الفقيه، ج 2، ص 92.

2. بحار الانوار، ج 94، ص 42.

خدا ندا می‌دهد که رجبیون (اهل رجب) کجایند؟ پس، مردمی برمی‌خیزند که چهره‌هایشان در برابر دیگران می‌درخشد و بر سرشان تاج‌های پادشاهی با نگین‌های درّ و یاقوت است و با هر یک هزار فرشته در سمت راست و هزار فرشته در سمت چپ قرار دارند. فرشته‌ها می‌گویند: ای بنده‌ی خدا! کرامت خدای عزّوجلّ گوارایت باد. پس ندایی از جانب خداوند جلّ جلاله می‌رسد: ای بندگان و کنیزان من به عزّت و جلالم سوگند که جایگاه‌تان را گرامی خواهم داشت و عطای عظیم و بسیار به شما خواهم داد و در بهشت خانه‌هایی به شما خواهم داد که نهرها از زیر آن جاری است و در آن جاودان خواهید بود، و چه نیکو پاداشی است برای عمل‌کنندگان. شما در ماهی که حرمت و شأن آن عظیم و بزرگ بود و حق آن را بر فرشتگان خود واجب کرده بودم روزه گرفتید، پس ای بندگانم، وارد بهشت شوید».

امام باقر⁷ می‌فرماید این فضیلت و پاداش از آن کسی است که چیزی از ماه رجب را روزه بگیرد، حتی اگر یک روز از اول یا وسط یا آخر ماه باشد؛ «ثُمَّ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ هَذَا لِمَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ شَيْئاً وَلَوْ يَوْماً وَاحِداً فِي أَوَّلِهِ أَوْ وَسَطِهِ أَوْ آخِرِهِ».

انس با دعا‌های ماه رجب، راه آمادگی برای ماه مبارک رمضان

انسان در عبادت می‌کوشد تا به خدا تقرّب جوید و به او نزدیک‌تر گردد. دعا، جان و عصاره و مغز عبادت است. انسان در دعا، خود را با خدا رو در رو می‌بیند و از واسطه‌ها و اسباب بریده و مستقیم با خداوند حاضر سخن می‌گوید. دعا اگر با آداب بندگی به جا آورده شود، چاره‌ساز خواهد بود و نیاز و درد بنده را دوا خواهد کرد. از همین رو، شایسته است که انسان بدان‌گونه دعا کند که اولیا و بندگان مقرّب الهی دعا می‌کنند، چرا که آنان راه بندگی و قرب الهی را می‌دانند و به آداب الهی آراسته‌اند.

دعا‌های بسیاری برای ماه رجب از زبان اهل بیت عصمت و طهارت: رسیده است که در مجامع روایی و کتب ادعیه نقل شده است. این دعا‌های ارزشمند، هم برای مسافر قرب الهی هدف‌گذاری می‌کند و عزم و انگیزه‌ی او را استوارتر می‌سازد، و هم با

تبیین معارف و حقایق قدسی و اسرار الهی، بر بصیرت و هوشیاری انسان سالک می‌افزاید، و در ضمن او را برای ضیافت ماه رمضان مهیا و آماده می‌نماید. فرازهایی از چند دعا برای نمونه ذکر می‌گردد که می‌توان برای تدبّر و بهره‌گیری بیش‌تر از معارف عمیق و ژرف آن به اعمال مشترک ماه رجب در کتب ادعیه به خصوص اقبال و مفاتیح مراجعه کرد.

1. دعای امام صادق⁷ در هر روز ماه رجب (ورود به درگاه خدا، تنها راه سعادت)

این دعای ارزشمند در عین اندک بودن عبارت، معانی و معارف بسیاری در خود گنجانده است. در این دعا بر رفتن به درگاه خدا و اسباب و آثار آن اشاره شده است و در نهایت هدایت و نجات از غفلت، خواسته شده است.

«خَابَ الْوَاقِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ وَ ضَاعَ الْمُلْمُونَ إِلَّا بِكَ وَ أَجْدَبَ الْمُتَتَجِعُونَ إِلَّا مَنْ انْتَجَعَ فَضْلَكَ بِأَبْكَ مَفْتُوحٌ لِلرَّاعِبِينَ وَ خَيْرُكَ مَبْذُولٌ لِلطَّالِبِينَ وَ فَضْلُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ وَ تَيْلُكَ مُتَاحٌ لِلْأَمَلِينَ وَ رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ وَ حِلْمُكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ عَادَتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ وَ سَبِيلُكَ الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ فَاهْدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ وَ ارْزُقْنِي اجْتِهَادَ الْمُجْتَهِدِينَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ وَ اغْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ؛ کسی که بر غیر تو وارد شود، محروم است و آنکه به غیر تو رو کند، زیانکار است و هر که به درگاه غیر تو رود، محتاج گشته و هر که از غیر فضل و کرم تو درخواست کرد، بی‌برگ و نوا گردید. درگاه لطف تو به روی مشتاقان باز، و خیر و احسانت برای طالبان مَبْذُول است، و فضل و کرمت برای سائلان مباح، و عطایت برای امیدواران مهیا، و رزقت برای اهل معصیت گسترده

1. بحار الانوار، ج 95، ص 389.

است، و حلمت بر هر که رو به تو آورد متوجه است، و عادتت احسان به بدکاران است و طریقه‌ات مدارا با سرکشان. ای خدا مرا به راه هدایت، رهبری فرما و مرا نصیب گردان، کوشش جهد کنندگان به طاعتت را و از غافلان دور از رحمتت مگردان و روز جزا از گناهم درگذر».

2. دعای نافع برای ماه رجب (درخواست همه خوبی‌ها و فرار از تمام شرور)

راوی به محضر حضرت صادق⁷ شرفیاب می‌شود و از ایشان می‌خواهد، دعایی به ایشان تعلیم فرمایند که در ماه رجب او را نفع ببخشد. امام⁷ به او می‌فرمایند: بنویس بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و در هر صبح و شب و پس از هر نماز چنین بگو: «يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَأَمِنْ سَخَطِهِ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تُحْنِنًا مِنْهُ وَرَحْمَةً...! ای خدایی که از او امید هر خیر و احسان دارم و نزد هر شری از خشم او ایمنی می‌جویم؛ ای آنکه عطا می‌کنی بسیار را به کم؛ ای آنکه هر که سؤال کند عطا می‌کنی؛ ای آنکه به هر که سؤال نکند و تو را هم نشناسد، باز از لطف و رحمت عطا می‌کنی...».

امام صادق⁷ در ادامه‌ی دعا، بهره‌مندی از بهترین عطا‌های خداوند در دنیا و آخرت و برطرف شدن شر و بدی‌های دو سرا را از خدای جواد و رحیم خواسته است. در حدیث آمده است که امام⁷ پس از ذکر دعا، با دست مبارک خود محاسن شریف را گرفتند و آن قدر گریستند که دستانشان پر از اشک شد!

3. دعایی که ودیعه و میراث شیعه است (شکر، خوف، عبادت، صلوات و کفایت

در دو جهان)

در ماه رجب در محضر امام صادق 7 درباره‌ی دعا سخن به میان آمد، راوی می‌گوید: از امام درخواست کردم که به من دعایی بیاموزد که همه آن‌چه را شیعه در کتب خود به جای گذارده، در برداشته باشد. امام 7 به راوی این دعا را تعلیم فرمودند. در این دعا به صبر و شکر در حوزه اخلاق، عمل خائفانه در حوزه عمل، و یقین عابدانه در حوزه اندیشه، و رابطه فقر و غنای میان بنده و پروردگار اشاره شده است. امام 7 در ادامه دعا، هر آن چه برای دنیا و آخرت آدمی مهم و لازم است را از خداوند رحمان خواسته است. در پایان امام 7 سوگند یاد می‌کند که این دعا هر آن چه از زمان ابراهیم خلیل 7 بوده تا زمان حضرت رسول 6 را در بردارد.

امام 7 به راوی فرمودند که چنین بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ وَ عَمَلَ الْخَائِفِينَ مِنْكَ وَ يَقِينَ الْعَابِدِينَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَ أَنَا عَبْدُكَ الْبَائِسُ الْفَقِيرُ وَ أَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَ أَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ آمَنْنُ بِغَنَّاكَ عَلَى فَقْرِي وَ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي وَ بِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِي يَا قَوِيَّ يَا عَزِيزُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَ اكْفِنِي مَا أَهْمَنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ! ای خدا! از تو درخواست می‌کنم که مرا صبر شکرگزاران عطا کنی و عمل خدا ترسان و یقین اهل عبادت را نصیب فرمایی. ای خدا! تو بلند مقام و بزرگی و من بنده بینوای فقیر توام، تو غنی و ستوده صفات و من عبد ذلیل توام. ای خدا! درود فرست بر محمد 6 و آلش، و منت گذار به غنایت بر فقرم و به حلمت بر جهل من و به توانائیت بر ناتوانی من. ای توانای با عزت، ای خدا درود فرست بر محمد 6 و آلش که اوصیاء پسندیده رسول تواند و مهمات امور دنیا و آخرت مرا کفایت فرما، ای مهربانترین مهربانان عالم».

علامه مجلسی؛ پس از نقل این دعا می‌فرماید: از این روایت ظاهر می‌گردد که این دعا جامع‌ترین دعاها است و می‌توان آن را در همه‌ی اوقات خواند.

4. دعای امام زمان 7 در مسجد صعصعه (خداشناسی راه نجات و سعادت)

این دعا از ناحیه مقدسه حضرت حجت 7 در مسجد صعصعه صادر شده است. در این دعا، امام 7 ابتدا به صورت بسیار دل‌انگیز به مدح و وصف صفات جمال و جلال الهی می‌پردازند، به گونه‌ای که شوق و شعور انسان نسبت به پروردگار را شعله‌ورتر می‌کند. دعا با این عبارت دلنشین شروع می‌شود: «اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنِّ السَّابِغَةِ وَالْأَلَاءِ الْوَازِعَةِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ وَالنِّعَمِ الْجَسِيمَةِ وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةِ وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةِ وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةَ؛ ای خدای صاحب عطاهای فراوان و نعمتهای گوناگون و رحمت بی‌پایان و قدرت کامل بر هر چیز و نعمت‌های بزرگ و موهبت‌های سترگ و بخشش‌های نیکو و عطاهای عظیم».

در فرازی از این دعا، به برخی صفات الهی و مباحث عالی خداشناسی اشاره می‌شود که بخش گسترده‌ای از تلاش‌های ذهنی فیلسوفان و شهود عینی عارفان برای درک و راهیابی به این مطالب است. به این عبارت سرشار از حکمت و شهود، توجه فرمایید: «يَا مَنْ لَا يُنْعَتُ بِتَمَثِيلٍ وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ وَلَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ؛ ای خدایی که وصف به مثال در نیاید و ماندی بر او تصور نشود و به هیچ قدرتی مغلوب نگردد». «فَأَفْضَلَ يَا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ خَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ وَدَنَا فِي اللَّطْفِ فَجَاَزَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نَدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ وَتَفَرَّدَ بِالْكَبْرِيَاءِ وَالْأَلَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبَرُوتِ شَأْنِهِ يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ وَانْحَسَرَتْ دُونَ

1. همان، ص 392.

2. همان.

إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَافُ أَبْصَارِ الْأَنَامِ؛ ای که عزت مقام بلندی است که چشم‌های بینا بدان جا نرسد و لطفت نزدیک به همه است تا آنکه در قوه فکرها خطور نکند. ای آنکه منفرد به ملک و سلطنت عالمی؛ پس برای تو شریکی در قدرت و شاهی نیست و در نعمت بخشی و بزرگواری بی‌مانندی، که ضدی در شأن و جلال نداری. ای آنکه در بزرگی و هیبت عقول و اوهام عالی متحیر است و در ادراک عظمت، دیده صاحب نظران عاجز است».

امام 7 در پایان دعا، پس از ذکر برخی اوصاف الهی، بهترین سرنوشت‌ها را در ماه رجب، و ختم با سعادت زندگی، و نجات از مواقف برزخ و قیامت، و سکونت در بهشت را تقاضا می‌نماید: «صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَاقْسِمْ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسَمْتَ وَاحْتِمِ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ وَاحْتِمِ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ خَتَمْتَ وَاحْنِي مَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا وَامْتَنِي مَسْرُورًا وَمَغْفُورًا وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مُسَاءَلَةِ الْبَرْزَخِ وَادْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَنَكِيرًا وَارْغَبْ عَنِّي مُبَشِّرًا وَبَشِيرًا وَاجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَاتِكَ (جَنَاتِكَ) مَصِيرًا وَعَيْشًا قَرِيرًا وَمُلْكًا كَبِيرًا وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيرًا؛ درود فرست بر محمد 6 خاتم پیغمبران و بر اهل بیت او و در این ماه بهترین قسمت را نصیب من گردان، و بهترین قضای خویش را برای من حتمی کن و مرا در خاتمه مانند آنان که ختم کارشان به سعادت کردی، قرار ده، و مرا با وسعت و فراوانی زنده بدار، و با سرور و نشاط و مغفرت بمیران، و از سؤال و جواب در عالم برزخ، متصدی نجاتم باش، و نکیر و منکر را از من دفع کن، و فرشته بشارت را به چشم من بنما، و طریقم را بسوی بهشت و رضوانت قرار ده، و زندگانیم را خوش، و ملک کبیر نصیبم فرما، و درود بر محمد 6 و آلش بسیار فرست».

1. همان.

2. همان.

5. توقیع شریف حضرت حجت 7 برای دعا در هر روز ماه رجب (ترسیم سیمای ولی امر و..)

افتدا و الگوپذیری از ولیّ امر و امام معصوم 7 نکته و درس نخستی است که صدر دعا به آن اشاره دارد؛ آن‌گاه امام 7 به بحث مظهریت ولیّ امر و امام معصوم 7 برای خدا، و آیه و نشانه بودن او برای خداوند می‌پردازند. مباحثی بسیار عالی که در مباحث امام‌شناسی باید به آن پرداخته شود و نگاه و اندیشه مردم درباره‌ی مقام و جایگاه امام معصوم 7 تثبیت و در برخی موارد، تصحیح گردد.

به این فرازهای رسا در بیان مقام ولّاه امر: در آغاز این دعا بنگرید: «أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعٍ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وَلَئِنْ أَمَرَكُمُ الْمَأْمُونُونَ عَلَى سِرِّكَ الْمُسْتَسْرُونَ بِأَمْرِكَ الْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ الْمُعْلَنُونَ لِعَظَمَتِكَ أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيَّتِكَ فَجَعَلَتْهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ وَ أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِكَ وَ آيَاتِكَ وَ مَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ خَلْقُكَ فَتَقْهَا وَ رَتَقْهَا بِيَدِكَ بَدْوُهَا مِنْكَ وَ عَوْدُهَا إِلَيْكَ أَعْضَادٌ وَ أَشْهَادٌ وَ مَنَاءٌ وَ أَدْوَادٌ وَ حَفَظَةٌ وَ رُؤَادٌ فِيهِمْ مَلَأَتْ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ! اِی خدا از تو درخواست می‌کنم به جمیع معانی‌ای که صاحبان امرت تو را با آن بخوانند، آنان [صاحبان امر] که بر سرّ تو امین و به امرت مستبشر و شادند و به شرح توصیف قدرتت و به بیان عظمتت مشغولند؛ درخواست می‌کنم به آنچه مشیت در آنان ناطق است، که معدن اسرار کلمات خود قرارشان دادی و ارکان توحید تو و آیات و مقامات تو هستند که در آن آیات تعطیل نخواهد بود. در هر مکان هر که تو را شناسد، به آن آیات شناسد، و میان تو و آنها جدایی نیست، جز آنکه آنان بنده و مخلوق تواند. فتق و رتق آن

آیات به دست تو و آغاز و انجامش بسوی توست. پشتیبان دین تو و گواه و حامی و مدافع و نگهبان و مبلغان دین تواند، که از تو و آنها آسمان و زمین پر است، برای آنکه آشکار شود که خدایی جز تو نیست».

امام 7 در فراز دیگری برخی اسماء و صفات الهی را بسیار باشکوه بیان می‌فرمایند، و به فهم و ذهنیت دعا کننده بینش فراوانی می‌بخشند. زیادی ایمان و ثبات، برکت در ماه رجب و ماه‌های با احترام پس از آن، نعمت و قسمت جزیل و فراوان، غفران گناهان، برکت در عمر و اصلاح سیرت، و رسیدن به ماه رمضان و طول عمر، از خواسته‌هایی است که در این دعای شریف از خداوند کریم درخواست شده است.

لیلة الرغائب و تأکید پیامبر 6 بر عدم غفلت از آن (شب حاجت و آرزو)

روزی پیامبر گرامی اسلام 6 فضیلت و ثواب بسیاری برای روزهای ماه رجب برشمردند؛ از جمله، مغفرت گناهان گذشته و محفوظ ماندن در باقی مانده‌ی از عمر و امان یافتن از تشنگی روز قیامت؛ در این هنگام پیرمردی ناتوان درخواست و گفت: توان روزه این ماه را ندارد. پیامبر 6 فرمود: روزی از اول و روزی از وسط و روزی از آخر را روزه بگیر تا به ثواب همه‌ی ماه رجب برسی. در ادامه حضرت فرمودند: «وَلَكِنْ لَا تَغْفُلُوا عَنْ لَيْلَةٍ أَوَّلِ خَمِيسٍ مِنْهُ فَإِنَّهَا لَيْلَةٌ تُسَمِّيهَا الْمَلَائِكَةُ لَيْلَةَ الرِّغَائِبِ؛ ولی از شب پنج شنبه اول ماه رجب غافل نشوید، چرا که این شب را ملائکه الهی لیلة الرغائب (شب آرزوها) می‌نامند».

در این شب ملائکه در کعبه و اطراف آن جمع می‌گردند و برای روزه داران ماه رجب از خداوند طلب غفران می‌کنند و خداوند غفور نیز خواسته‌ی آنان را اجابت می‌فرماید.

بر اساس این روایت شریفه، روزه اولین پنجشنبه ماه رجب و دوازده رکعت نماز و اذکار خاص پس از آن، باعث برآوردن حاجت و آرزوی انسان می‌شود. از جمله دیگر پاداش‌هایی که در این حدیث ذکر شده است، بخشش تمامی گناهان، شفاعت از نزدیکان خود در روز قیامت و انیس بودن این نماز در قبر و قیامت برای انسان است.

ایام البیض، فرصت ویژه خودسازی (اعتکاف و اعمال ام داوود)

بیض جمع ابیض و از بیاض به معنای سفیدی گرفته شده است.¹ روزهای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هر ماه قمری را به اعتبار شب‌های آن که ماه در آن کامل، درخشان و سفید است، ایام بیض و به شب‌های آن لیالی بیض می‌گویند.

در فضیلت این سه شب همین بس که در روایات، یکی از عطایای ویژه‌ی مسلمانان برشمرده شده است. از امام جعفر صادق⁷ روایت شده است: «أُعْطِيَتْ هَذِهِ الْأُمَّةُ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ مِنَ الْأُمَمِ رَجَبٌ وَ شَعْبَانٌ وَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَ ثَلَاثَ لَيَالٍ لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ مِنْهَا لَيْلَةً ثَلَاثَ عَشْرَةٍ وَ لَيْلَةً أَرْبَعَ عَشْرَةَ وَ لَيْلَةً خَمْسَ عَشْرَةَ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَ أُعْطِيَتْ هَذِهِ الْأُمَّةُ ثَلَاثَ سُوَرٍ لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ مِنَ الْأُمَمِ يَسُ وَ تَبَارَكَ الْمَلِكُ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ؛ به این امت، سه ماه عطا شده است که به هیچ امتی عطا نشده است؛ رجب، شعبان و ماه رمضان، و سه شب به این امت عطا شده است که به هیچ امتی عطا نشده است؛ شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم هر ماه، و سه سوره به این امت داده شده است که به هیچ امتی داده نشده است؛ یس، تبارک الملک، قل هو الله احد».

¹. لسان العرب، ج 7، ص 122.

². وسائل الشیعه، ج 8، ص 24.

حضرت در ادامه می‌فرمایند: «فَمَنْ جَمَعَ بَيْنَ هَذِهِ الثَّلَاثِ فَقَدْ جَمَعَ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَ هَذِهِ الْأُمَّةُ!» هر که میان این سه فضیلت جمع کند، میان بهترین چیزهایی که به این امت داده شده است، جمع کرده است». از حضرت پرسیدند که چگونه میان این سه جمع کنند. حضرت فرمودند که در این سه ماه، در شب سیزدهم دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت پس از حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم، چهار رکعت و در شب پانزدهم شش رکعت به همین شکل بخواند، تا ثواب و فضیلت این سه ماه را دریابد و جز شرک تمامی گناهانش بخشیده شود.

در این سه روز شایسته است که انسان از اعمال امّ داوود غافل نباشد. داوود از سادات حسنی بود که مورد تعقیب دستگاه بنی‌عباس قرار گرفته بودند. او را به همراه دیگر عموزادگانش به بند کشیده و از مدینه به عراق برده بودند. مادرش که دیگر از او خبری نداشت، با دعا و تضرع به درگاه خداوند دیدار دوباره فرزند را می‌خواهد و از همه اهل زهد و عبادت می‌خواهد تا برای دیدار دوباره فرزندش دعا کنند. خبرهایی از کشته شدن داوود به او رسید؛ برخی نیز نقل می‌کردند که بر روی او و دیگر عموزادگانش ستون و بنایی ساخته‌اند. ناامیدی و یأس و پیری او را آزد تا سرانجام به ملاقات امام صادق⁷ می‌رود.

امّ داوود مادر رضاعی حضرت صادق⁷ بود و حضرت را با داوود شیر داده بود. امّ داوود می‌گوید: به دیدار ابی‌عبدالله جعفر بن محمد⁷ رفتم. حضرت بیمار بود و من پس از احوال‌پرسی و دعا برای ایشان، تصمیم به بازگشت گرفتم که حضرت فرمودند: «يَا أُمَّ دَاوُودَ مَا أَلَذِي بَلَغَكَ عَنْ دَاوُودَ؟» امّ داوود! از داوود چه خبری به تو رسیده است». من گریستم و گفتم فدایت شوم، داوود در عراق زندانی است و من از

1. همان، ص 25.

2. بحار الانوار، ج 94، ص 44.

او بی‌خبرم و از دیدار او ناامید شده‌ام. من بسیار مشتاق دیدار اویم، از تو می‌خواهم که دعا کنی؛ او برادر رضاعی تو است. امام 7 فرمودند: «يَا أُمَّ دَاوُودَ فَإِنَّ أُمَّتَ عَنْ دُعَاءِ الْاسْتِفْتَاكِ وَالْإِجَابَةِ وَالنَّجَاحِ وَهُوَ الدُّعَاءُ الْمُسْتَجَابُ الَّذِي لَا يُحْجَبُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَلَا لِصَاحِبِهِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثَوَابُ دُونِ الْجَنَّةِ!» امّ داوود چرا از دعای طلب گشایش و اجابت و پیروزی غافل! دعای مستجابی که از خدای عزّوجلّ پوشیده و محجوب نمی‌ماند و برای کسی که آن را به جا آورد، در پیشگاه خدا ثوابی کم‌تر از بهشت نیست.

امّ داوود پرسید: ای فرزند پاکیزگان راستگو، چگونه به آن دست یابم. حضرت در پاسخ فرمودند که این ماه حرام (ماه رجب) نزدیک است و آن ماهی مبارک و بسیار با حرمت است، سه روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را که ایّام البیض است را روزه بگیر، سپس در وقت زوال از روز نیمه آن غسل کن و...^۲

حضرت در ادامه به امّ داوود می‌فرمایند که هشت رکعت نماز با آرامش و وقار را، با ترتیب خاص، قبل از نماز ظهر و هشت رکعت پس از آن، به جا آورد، و در جایی باشد که انسان یا چیزی او را به خود مشغول نکند. تعدادی از سور قرآن را به ترتیب خاص تلاوت و پس از آن دعایی را که آن حضرت به او تعلیم کردند بخواند.^۳ در این دعای شریف ابتدا به صفات الهی اقرار، و آن گاه بر ملائکه مقربین و انبیاء و و اهل بیت، صلوات فرستاده می‌شود و آنگاه با ذکر تعداد بسیاری از اسمای حسنای الهی، به درخواست و ذکر حاجت پرداخته می‌شود.

¹. همان.

². بحار الانوار، ج 94، ص 45.

³. برای اطلاع از تفصیل سوره‌ها و نص دعا رجوع شود به مفاتیح الجنان، اعمال پانزدهم رجب، اعمال امّ داوود، ص 145.

حضرت در پایان به امّ داوود یادآور شدند که نشانه‌ی اجابت این دعا، سوختن دل و جاری شدن اشک است؛ پس بکوشد که هر چند اندک، چشمش به اشک تر شود. امام این دعای شریف را شامل اسم اعظم دانستند که هر گاه به آن دعا کنند، اجابت و برآورده شود.

از آن جا که این سه روز ایّام البیض می‌باشد و روزه آن فضیلت خاص دارد و اعمال امّ داوود نیز در آن وارد شده، اعتکاف در این سه روز سنّت حسنه است. اعتکاف نیز باید همراه با روزه باشد، چرا که در روایات آمده است که از احکام و شرائط آن روزه است؛ «لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا بِصَوْمٍ؛ هیچ اعتکافی بدون روزه نیست». از سوی دیگر کم‌ترین مقدار اعتکاف سه روز است؛ در روایتی از امام صادق⁷ آمده است: «لَا يَكُونُ اِعْتِكَافٌ اَقْلَ مِنْ ثَلَاثَةِ اَيَّامٍ؛ اعتکاف کم‌تر از سه روز نیست».

اعتکاف در لغت به معنای ماندن و اقامت پیرامون چیزی است³ که همراه با مکث و درنگ و ماندگاری است. در فقه نیز به معنای اقامت حداقل سه روزه در مسجد جامع برای عبادت خدا است. در اعتکاف، حواس ظاهر انسان از غیر خدا جدا می‌شود. در اعتکاف خرید و فروش و معامله، و سوگند و گفتگوی بیهوده نیست. اعتکاف تمرینی است که همان‌گونه که چشم از رنگارنگ دنیا می‌پوشی و زبان از ترش و شیرین آن باز می‌داری، جان خود را نیز خلوت کنی و این حریم الهی را به صاحب‌خانه اصلی‌اش بازپس دهیم و از هر چه غیر اوست خالی کنیم. اعتکاف فرصت خانه‌تکانی دل است که می‌توان دوباره آن را شایسته‌ی ذکر و یاد خدا کرد.

¹. بحار الانوار، ج 94، ص 129.

². وسائل الشیعه، ج 10، ص 545.

³. التحقيق، ج 8، ص 200.

ایام اعتکاف، ایام انس با پروردگار

با فرا رسیدن ایام البیض (13-14-15 رجب) و ایام اعتکاف، مومنان با حضور در مساجد و خلوت نمودن با معبود، به راز و نیاز و عبادت می پردازند. اعتکاف، سنت نیکوی دیرپایی است که از پیامبران به یادگار مانده و تا امروز ادامه یافته است. این برنامه معنوی، هر سال مشتاقان و طرفداران بیش تری می یابد، عبادتی که در خلوت انسان با پروردگار مهربان شکل می گیرد و دل های شیفتگان حضرتش را جلا می بخشد.

کلمه اعتکاف از ریشه عکف است. اهل لغت برای این ریشه، معانی گوناگونی ذکر نموده اند. از جمله: رویکرد به چیزی با توجه و مواظبت، اقبال به چیزی بی آنکه روی از آن برگردد، محبوس و متوقف کردن چیزی، اقبال و ملازمت بر چیزی از روی تعظیم و بزرگداشت آن، التزام به یک مکان و اقامت در آن، اقامت، ملازمت و مواظبت، حبس و توقف.

مجموع تعاریف بالا را می توان، در یک تعریف خلاصه کرد: اعتکاف به معنی اقامت گزیدن در جایی است، به طوری که فرد معتکف خود را محبوس و ملتزم به آن مکان بداند و این التزام ناشی از اهمیت و عظمت آن موضع باشد. بنابراین آنچه باعث تفاوت میان اعتکاف و سایر اقامت ها می شود این است که در اعتکاف، یک نحوه توجه و رویکردی وجود دارد که مانع اشتغال فرد به امور دیگر، غیر از آنچه که به او روی کرده می شود.

اعتکاف توقفی ناآگاهانه در مسجد، بدون عشق به عبادت و قصد قربت نیست. آن چه می تواند موجب دل کندن از لذایذ زندگی مادی شود، خود باید لذتی برتر باشد. لذتی چون وصال محبوب، تقرب و نزدیکی به خدای بزرگ و قرار گرفتن در سایه سار محبت الهی. معتکف از خانه خویش بیرون رفته و آگاهانه عزم حضور در

خانه حضرت حق می‌کند؛ حضوری آگاهانه، عاشقانه و خالصانه بر درگاه پروردگار یکتا.

پیام اعتکاف، به یاد خدا زیستن است. اعتکاف گشت و گذاری است در کوچه‌پس‌کوچه‌های درون، و گشتن در دنیای تو در توی دل و شناختن خود و مجاهده با نفس.

روزهای اعتکاف، روزهای انس با پروردگار و بریدن از غیر و پیوستن به یار است. اعتکاف، هجرتی درونی برای سیر در دنیای باطن و مروری بر نفسیات خویش است تا گام تهذیب برداریم و کام بندگی بگیریم. ایام اعتکاف، اهل عبادت را عید حضور است و اهل غفلت را روزنه‌ای به سوی نور.

پیامبر گرامی اسلام 6، در بیان فضیلت اعتکاف، در سخنی گرانبها فرمودند: «معتکف، همه گناهان را دربند می‌کشد، یعنی آن که خویشتن را برای مدتی در مکانی محبوس کرده تا به توفیق انس با خداوند و رسیدن به لذت مناجات نایل آید».

اعتکاف از نظر زمان، محدود به وقت خاصی نیست، ولی چون لازمه اعتکاف روزه گرفتن است، در دو روز عید فطر و قربان که روزه حرام است، نمی‌توان معتکف شد. البته بهترین زمان برای اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان و روزهای سیزدهم تا پانزدهم ماه رجب است که در کشور ما، اعتکاف در سه روز ماه رجب رواج دارد و این سه روز، از چند جهت دارای اهمیت است؛ اول اینکه ماه رجب، ماه حرام است و مطابق روایات، اعتکاف در ماه‌های حرام از فضیلت بیشتری برخوردار است و دوم اینکه روزه در ماه رجب فضیلت خاصی دارد.

مرحوم علامه مجلسی درباره کمال اعتکاف می‌نویسد: کمال اعتکاف در آن است که اندیشه و دل و اعضا بر مجرد عمل صالح وقف گردد و بر در خانه خدای جلیل و در برابر اراده مقدس او به حبس درآید و به زنجیر مراقبت او به بند کشیده شود و از آن چه روزه دار از انجام آن خودداری می‌کند، به طور تمام و کمال بازداشته شود.

وجود آدمی، همانند پاره‌خطی است که از دو سو، تا بی‌نهایت، قابل امتداد است و انسان مختار، بر سر دو راهی انتخاب، ناگزیر از گزینش است. آیا به سوی فلاح برود و یا راه ضلالت را در پیش گیرد؟ در این میان، عده‌ای فلاح را برگزیده و در رسیدن به مقصد، از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند.

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان
غم مخور

در این مسیر، معتکفان تا بدانجا پیش می‌روند که زمزمه زیبای «الهی هَبْ لِي كَمَالَ الْإِقْطَاعِ أَلِيكَ»^۱ به گوش جان می‌شنوند. پس خدایا به من کمال انقطاع به سوی خود را هدیه کن؛ یعنی همان رستگاری واقعی و فلاح حقیقی را. بنابراین اعتکاف و خلوت‌گزینی در منزل دوست نخستین گام برای رسیدن به این مقصد بزرگ انسانی است. اعتکاف عبادتی است که در ادیان دیگر نیز وجود دارد.

اما آیا اعتکاف در آن ادیان، همانند اعتکاف در اسلام است یا کیفیت و شرایط اعتکاف در آن‌ها فرق می‌کند؟

به درستی معلوم نیست که اعتکاف در ادیان دیگر، دارای چه شرایطی بوده، به ویژه اینکه با تحریف ادیان آسمانی قبل از اسلام، بسیاری از عبادات آن‌ها، به فراموشی سپرده شده و جز صورتی بی روح از آن‌ها باقی نمانده است.

آنچه از قرآن به صراحت دریافت می‌شود اصل وجود عبادتی به نام اعتکاف است که در بسیاری از ادیان الهی، از جمله اسلام، وجود داشته است و اما چه کیفیتی و چه شرایطی، اطلاعی در دست نیست.

آیا رهبانیت در مسیحیت همان اعتکاف است؟ رهبانیت به معنی خلوت‌نشینی، گوشه‌گیری و پرهیز از دنیا و پرداختن به عبادت. اموری همچون خدمت به بیماران

۱. بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 91، ص 99.

صعب‌العلاج و امثال آن، یکی از رایج‌ترین آداب و مناسک آیین مسیحیت به شمار می‌رود که در ظاهر شباهت‌هایی با اعتکاف دارد.

قرآن کریم به وجود این عمل در میان مسیحیان اشاره نموده و به طور ضمنی آن را تأیید می‌نماید. «وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ وَ در قلب‌های کسانی که از مسیح پیروی می‌کنند، رافت و رحمت و رهبانیت قرار دادیم، عملی که خود بدان دست زدند و ما آن را بر آنان واجب ننمودیم^۱».

با توجه به معنای آیه معلوم می‌شود که رهبانیت عبادتی است که پایه‌گذاری و جعل آن از سوی مسیحیان بوده که برای قرب بیشتر به خداوند به آن عمل می‌کردند و حال آنکه اعتکاف یک عبادت شرعی در ادیان سابق بوده است.

با دقت در حوادث تاریخی، در می‌یابیم که مسیحیان مومن برای پرستش خداوند و در امان ماندن از آزار یهودیان و بت پرستان، گوشه‌های خلوت را انتخاب و به راز و نیاز با پروردگار مشغول می‌شدند. جریان اصحاب کهف نیز از این قرار است.

آثار اعتکاف در سبک زندگی دینی:

اعتکاف مانند سایر عبادات، دارای آثاری است که می‌توان آن را از سه جهت مورد مطالعه قرار داد.

الف: آثار اخروی اعتکاف

آمزش گناهان

1 . حدید، 27.

توبه در حال اعتکاف موجب جلب رضا و غفران الهی و ورود در صف نیکان است؛ زیرا «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اسْرِفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ بگو ای بندگان من، ای کسانی که بر نفس‌های خویش اسراف نمودید، مایوس از رحمت خدا نشوید. به راستی که خداوند همه گناهان را می‌بخشاید و به راستی که او غفور و رحیم است»^۱ «وَمَنْ اعْتَكَفَ إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ؛ اعتکاف از روی ایمان و یقین، باعث مغفرت او می‌شود».

نزدیکی به خدا

اعتکاف، موجب نیل به قرب الهی است؛ یعنی همان فلاح و رستگاری که انسان به وسیله عبادت آن را می‌جوید. در حدیث معراج، خداوند از پیامبر خود سوال می‌کند: «ای احمد آیا می‌دانی در چه هنگام بنده به قرب من نایل می‌شود و بعد در جوابش می‌گوید: زمانی که گرسنه یا در حال سجده باشد. در جایی دیگر در همین حدیث شریف می‌پرسد: آیا از آثار گرسنگی و سکوت و خلوت مطلع هستی؟ سپس جواب می‌دهد که یکی از آثار آن، تقرب بنده به سوی من (خدا) است». گرسنگی، سجده، سکوت از غیر کلام خدا و خلوت، همگی در اعتکاف جمع هستند و با این اعمال به خدای سبحان تقرب می‌جویند.

جلب محبت خدا

یکی از آثار برجسته اعتکاف، حب خداوند تبارک تعالی است «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»؛ آنان که ایمان آورده‌اند شدیداً دوست‌دار خدا هستند.

تحصیل بهشت الهی

از جمله آثار عبادت، رسیدن به بهشت و بهره‌مندی از نعمت‌های آن است. «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»؛ آنان که از نمازهایشان محافظت می‌کنند آنان وارثانند آنانی که بهشت را به ارث می‌برند و در آن جاودان‌اند.^۲

بی شک اگر معتکف، بتواند در ایام اعتکاف، آن طور که باید و شاید رفتار نماید و رضایت حق تعالی را جلب کند؛ به درجاتی که برای مومنان در نظر گرفته شده، خواهد رسید. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ خدا به مومنین و مومنات وعده بهشتی را داد که در زیر آن نهرها جاری است. آنان خالداند در بهشت و در خانه‌های پاک در بهشت عدن، رضوان و رضایت خدا بالاتر از بهشت است و آن فوز عظیم است (توبه: 72). همانطور که در آیه آمده علاوه بر بهشت و نعمت‌های الهی، رضوان خدا که بالاترین نعمت‌هاست نصیب مومن خواهد شد.

^۱ . بقره، 165.

^۲ . مومنون، 9 - 11.

ب: آثار دنیوی اعتکاف

تقویت اراده

از آثار حتمی اعتکاف در زندگی فردی انسان، تقویت اراده آدمی است. کسی که مدتی، بر خلاف خواست درونی خویش، خود را در محلی حبس و از بسیاری از امور چون حرف زدن در غیر امور عبادی که به طور طبیعی تمایل به آن‌ها دارد، پرهیز نماید، خود به خود تمرینی است برای اجتناب از بسیاری خواهش‌های نفسانی دیگر. برخورداری انسان از اراده قوی نه تنها در مسائل اخلاقی و دینی بسیار مهم است؛ بلکه نقش آن در امور روزمره هم بر کسی پوشیده نیست. مرد باید که در کشاکش دهر سنگ زیرین آسیا باشد. تحمل بار مشکلات، بدون برخورداری از اراده ای قوی، کاری است دشوار. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ اسْتَدَامَ رِيَاضَةَ نَفْسِهِ انْتَفَعَ؛ هر کس به طور مداوم ریاضت بکشد، نفع می‌برد»¹.

انس با معنویات

در پرتو اعمالی چون اعتکاف، کم‌کم ارتباط روانی خاصی بین انسان و مسجد، قرآن، نماز، نماز شب و ادعیه به وجود می‌آید، به نحوی که انسان مشتاق ارتباط با این امور شده و دوری از آنها برایش سخت می‌گردد.

¹ . غررالحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ص 608.

دوری از غفلت

اعتکاف عبادتی چون نماز و به قول قرآن ذکر الله «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۱ را در بردارد. ذکر، همان دوری از غفلت است؛ غفلتی که اگر به ذکر مبدل نگردد، موجبات سقوط آدمی را فراهم می‌آورد. «اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ» رسیدگی به حساب انسان‌ها نزدیک و مردم در غفلت به سر می‌برند^۲.

تواضع و فروتنی

اگر انسان بتواند در طول اعتکاف خود را به دروازه‌های معرفت الهی برساند و خود را در دایره بیکران هستی، کوچک ببیند، استکبار و غرور از او رخت بر می‌بندد. دیگر در مقابل هم نوع خود تکبر نمی‌ورزد، بلکه فروتنی را پیشه خود خواهد ساخت.

کاهش جرم و فساد

به عقیده جرم‌شناسان اجتماعی، بسط و گسترش مسایل معنوی، باعث کم‌شدن جرم و فساد در جوامع می‌گردد. اعتکاف در این میدان می‌تواند نقش مهمی ایفا کند؛ زیرا مشتمل بر چند عبادت است و آثار معنوی ویژه‌ای حتی بر افراد غیر معتکف بر جای می‌گذارد.

1. طه، 14.

2. انبیاء، 1.

آشنایی و برقراری ارتباط دوستانه

حضور مومنین شهر در چند مسجد، فرصتی است که مومنان یکدیگر را بشناسند و ارتباط دوستانه پیدا نموده و از آثار اخوت اسلامی برخوردار شوند. این اثر را به راحتی می‌توان از لابلای خاطرات منتشر شده معتکفان به دست آورد.

اعتکاف در کلام آیت‌الله جوادی آملی

اعتکاف در ایام البیض (روزهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ ماه رجب) از فضیلت خاصی برخوردار است. ماه رجب ماه ولایت و ماه اولیای خداوند است. اعتکاف در این ایام، مصادف با زمانی است که دعا در آن مستجاب است. طبیعی است که اعتکاف در چنین زمانی، فیض خاص خود را دارد. دعا در همه حال عبادت است، به ویژه آنکه با اعتکاف همراه باشد.

حضرت آیت الله جوادی آملی در گفتاری اعتکاف، اهمیت و ویژگی‌های آن را بیان نموده‌اند:

طهارت روح مجوز مناجات پروردگار

روزه‌داری که بر اساس آیه شریفه “ولا تبشروهن وأنتم عاکفون فی المساجد” سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۷ / از لذایذ جنسی حلال و مانند آن پرهیز کند یقیناً از حرام نیز چشم‌پوشی می‌کند. کسی که به فکر آن نیست تا غرایز خود را از هر راهی هر چند حلال ارضا کند، قهراً صفای ضمیر و طهارت روحی، بهره‌ی او می‌شود.

این انسان با صافی ضمیر و طهارت روح، توان آن را دارد که با ذات اقدس اله مناجات کند؛ چون هم نماز دارد، هم روزه دارد و هم در مسجد و در خانه‌ی کسی است که میهمانان خود را ناامید بر نمی‌گرداند. پس دعای بنده‌ی روزه‌دار نمازگزار و معتکف یقیناً مستجاب است.

خداوند متعال به همگان نزدیک است؛ اما به روزه‌داران، داعیان، نمازگزاران و میهمانان خود که ضیوف الرحمان هستند، نزدیک‌تر است.

پس انسان معتکف از چند جهت به خدا نزدیک است. روزه‌اش مایه‌ی قرب اوست؛ چون آن را قربت الی الله انجام داده. نمازش مایه‌ی قرب اوست؛ چون «الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ» نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶. حضورش در مسجد، مایه‌ی تقرّب اوست؛ چون در خانه‌ی کسی است که بندگان روزه‌دار و صالح خود را نوید بر نمی‌گرداند. اعتکاف او هم به خودی خود ابزار تقرّب اوست.

از خدا چه بخواهیم؟

خواهران و برادران در پیشگاه ذات اقدس پروردگار، دعای کلی و وسیع و جامع داشته باشند، تا سراسر جهان اسلام از گزند استکبار و دیگران نجات پیدا کند. هم نظام اسلامی از شر ابرقدرت‌ها رهایی یابد و هم ملل اسلامی از سلطه‌ی ستمگران نجات یابند.

نظام اسلامی، حامی اعتکاف است. مراجع تقلید و مدرسان و علمای معظّم، حامی اعتکاف‌اند. طلاب گرانقدر حامی و علاقمند به اعتکاف‌اند. همه‌ی اقشار مردم اعمّ از روحانی و غیر روحانی در کنار مائده‌ی اعتکاف حضور دارند؛ چه بهتر که از این فیض و فوز الهی بهره‌ی جامع به گیریم و نه تنها به فکر خود و نزدیکان خود بلکه به فکر اسلام و مسلمین باشیم و برای همه دعا کنیم. به امید آن روز که غرب و شرق عالم در پیشگاه قرآن و عترت و ذات اقدس اله معتکف باشند.

اعتکاف بندگان صالح

از اینکه گفته شد روزه با همه‌ی فضیلتی که دارد شرط اعتکاف است، روشن می‌شود که انسان معتکف، در پیشگاه ذات اقدس اله عکوف و اقبال دارد و غیر خدا را کنار زده است.

اگر معتکف در پیشگاه خدایی که «لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» سوره‌ی اخلاص، آیه‌ی ۴/ اعتکاف کرده، پس هیچ عکوفی همتای اعتکاف او نیست؛ زیرا ارزش و منزلت هر اعتکافی به ارزش مبدئی که اعتکاف در پیشگاه او و برای اوست، بستگی دارد. پس هیچ اعتکافی کفو و همتای اعتکاف بندگان صالح خدا نیست.

از آن جا که ذات اقدس اله برای اعتکاف حرمت قایل شده است، انسان کامل یعنی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در بسیاری از مواقع به خصوص ماه مبارک رمضان و بالاخص در دهه‌ی سوم آن در مسجد معتکف می‌شد.

اعتکاف، عبادتی مستقل

مرحوم مقدس اردبیلی که توانست هم در علم، محقق و هم در عمل، منزّه و مقدّس باشد، بیان شیوایی درباره‌ی اعتکاف دارد. او می‌فرماید: مبدا کسی گمان کند که اعتکاف، مقدّمه است برای عبادتی دیگر. کسی که با طهارت وارد مسجد می‌شود و روزه می‌گیرد و قصد می‌کند که قربت الی الله اعتکاف کند، این خود عبادت است؛ نه این که اعتکاف شرط و مقدّمه برای عبادتی دیگر باشد. اعتکاف عبادت مستقلّ است. همانگونه که هر یک از حجّ، عمره، روزه و نماز عبادت‌هایی مستقل هستند.

اشتقاق بنی اسرائیل برای بت پرستی

اعتکاف، از برجسته‌ترین مقام بندگی در پیشگاه ذات اقدس اله است. عده‌ای همین عکوف و اقبال و تعظیم را در برابر «اوّثان» و «اصنام» داشته‌اند؛ مانند سامری که در

برابر گوساله‌ی خود عکوف داشت. خداوند متعال بر روی همه‌ی اعتکاف‌ها و بندگی‌های دروغین، مُهر بطلان زده است.

ذات اقدس اله، سخنان یاهو و بیهوده بت‌پرستان و دوگانه‌پرستان را این گونه نقل می‌کند: «فَاتُوا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» بنی اسرائیل به گروهی رسیدند که با تواضع و خضوع گرداگرد بت‌هایشان جمع شده بودند. آنان به موسی گفتند: تو هم برای ما خدایی قرار بده، همانگونه که آنان خدایانی دارند؛ موسی گفت: شما مردمی جاهل هستید.

در جایی دیگر از زبان حضرت موسی (علی نبینا وآله وعلیه السّلام) درباره‌ی سامری می‌فرماید: «وَ أَنْظِرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلَّتْ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» و نگاه کن به معبودت که پیوسته بر آن معتکف بودی؛ آن را خواهیم سوزاند و ذرات آن را به دریا می‌ریزیم.

عکوف در این آیه همان اقبال و تعظیم و گرایش و کُرُنش است؛ که چون در مقابل باطل بوده، مردود و نکوهیده است. پیامبران بزرگ الهی از جمله ابراهیم خلیل (علیه‌السلام) مردم را از خضوع و عکوف و کُرُنش در برابر بت‌ها باز داشته‌اند. در قرآن مجید از زبان حضرت ابراهیم می‌خوانیم که به عمو و قومش گفت: «ما هذه التَّمَائِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ»^۱ این مجسمه‌ها و بت‌هایی که بر آن عکوف و کُرُنش می‌کنید، چیست؟

این گونه عکوفها، همگی باطل و محرّم است؛ ولی عکوف و اعتکاف با آداب و سنن خاص خود که تنها برای ذات اقدس اله باشد، صحیح و مشروع و سازنده است.

۱. اعراف، 138.

۲. طه، 97.

۳. انبیاء، 52.

دو نکته مهم در اعتکاف

آنچه بر اهمیت و فضیلت اعتکاف می‌افزاید دو نکته است که یکی مهم و دیگری مهم‌تر است؛ نکته‌ی مهم آن است که اعتکاف همچون نماز نیست تا بتوان آن را در هر مکانی بجا آورد. در مورد نماز، بر پایه‌ی «جُعِلَتْ لِيَ الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا» می‌توان آن را در هر مکانی انجام داد؛ حال آنکه اعتکاف، چنین نیست.

اعتکاف باید در مسجد و خانه‌ی خدا باشد. آن هم نه هر مسجدی، بلکه مسجد اعظم، یا به تعبیری دیگر مسجد جامع و یا مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) یا مسجدی که معصوم (علیه‌السلام) در آن نماز جمعه و یا جماعت اقامه کرده باشد؛ یا امامی عادل هر چند غیر معصوم در آن نماز جمعه یا جماعت برپا کرده باشد.

پس اعتکاف باید در مسجدی باشد که مصلا‌ی توده‌ی مسلمانان است؛ یعنی مسجد جامع یا اعظم، و مسجدی که در شهر، جزو بزرگ‌ترین مسجدهاست و جماعت‌های رسمی در آن اقامه می‌شود. بنابراین، مسجد بودن خود مزیت است و اقامه‌ی نماز جمعه یا جماعت در آن، مزیتی دیگر. انعقاد اعتکاف در مسجد متروک و مهجور صحیح نیست. عده‌ای که اعتکاف را به خصوص مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) یا مساجد چهارگانه اختصاص داده‌اند، باید سخن آنان را بر فضیلت حمل کرد و نه تعین.

نکته‌ی مهم‌تر آن است که «روزه» که خود از ارکان مهم دین و از مبانی مهم و اصل اسلام است، که: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَ

الْوَلَايَةُ^۱» عبادتی که بدین پایه از اهمیت است، شرط اعتکاف قرار گرفته است، ارزش اعتکاف به حدی است که یکی از برجسته‌ترین ارکان دین، شرط آن قرار می‌گیرد! همانگونه که نماز بدون طهارت تحقق نمی‌یابد؛ که: «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْوَرٍ^۲» اعتکاف هم بدون روزه صحیح نیست؛ که: «لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا بِصَوْمٍ^۳» و این از سخنان بلند ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) است.

بارزترین مصداق بندگی

در فضیلت اعتکاف همین بس که معادل طواف خانه‌ی خدا قرار گرفته و عدل و قسیم و همتای رکوع و سجود به شمار آمده است. دو تن از پیامبران بزرگ الهی مأمور شدند تا کعبه و حریم آن را از لوث وجود «وثنیت» و «ثنویت» تطهیر کنند تا عبادت‌کنندگان در مطاف و در کنار قبله و حرم ذات اقدس اله به طواف و اعتکاف و رکوع و سجود بپردازند. ذات اقدس اله در این زمینه می‌فرماید: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ^۴». و به یاد آورید زمانی که خانه‌ی کعبه را محل بازگشت و جایگاه امنیت مردم قرار دادیم و از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود برگزینید و ما به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که خانه‌ی مرا برای طواف‌کنندگان و معتکفان و رکوع‌کنندگان و سجده‌کنندگان، از هر گونه آلودگی تطهیر کنید.

۱ . کافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ج 2، ص 18.

۲ . من لا یحضره الفقیه، صدوق، ج 1، ص 33.

۳ . کافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ج 4، ص 176.

۴ . بقره، 125.

از این که اعتکاف در کنار طواف و عدل رکوع و سجود قرار گرفته، معلوم می شود که از بارزترین مصادیق بندگی در پیشگاه ذات اقدس اله است.

یکی از شئون عبادت

عبادت ذات اقدس اله، شئونی دارد. گاهی به صورت فکر و ذکر و شکر است؛ گاهی به صورت حرکت و زمانی به صورت سکون. تا معبود (عزّ وجلّ) چه دستور دهد و رسول معبود (صلی الله علیه و آله و سلم) چه پیامی آورده باشد.

آنجا که فکر و ذکر و شکر عبادت است، آیات و روایات در خصوص آن فراوان وجود دارد و نیازی به شرح آن نیست. و آنجا که حرکت، عبادت باشد، نظیر طواف که گشتن به دور کعبه، خود عبادت است و مانند سعی بین صفا و مروه که آن حرکت مخصوص و هروله ای که در آن است، خود عبادت محسوب می شود و به قصد قربت انجام می گیرد. و آنجا که توقّف عبادت است، مانند وقوف در عرفات و مشعر و منا؛ البته آن جا «وقوف» به معنای «سکون» نیست؛ ولی حرکت هم واجب نیست. صرف ماندن در عرفات و مشعر و منا با آن آداب و سنن خاص، واجب است.

پس معبود، گاه دستور حرکت و هروله می دهد، نظیر سعی بین صفا و مروه؛ گاهی دستور گردش به دور خانه ی خود را لازم می داند، نظیر طواف در حج و عمره؛ گاهی هم وقوف و عکوف و اقبال همراه با تعظیم و بزرگداشت را در خانه ی خود، واجب یا مستحب می شمارد، نظیر اعتکاف.

عکوف یعنی اقبال و روی آوردن به چیزی همراه با تعظیم و بزرگداشت آن. اعتکاف در مسجد، خود نوعی عبادت است که حرکت در آن شرط نیست؛ سکون هم در آن معتبر نیست؛ مانند وقوف در عرفات، مشعر و منا.

اعتکاف و قضای حاجت مؤمن

گرچه خروج از مسجد برای معتکف روا نیست؛ ولی برای شرکت در نماز جمعه و یا انجام کارهای ضروری می‌توان از مسجد خارج شد. چنانکه حل مشکلات نظام اسلامی و رفع نیاز نیازمندان در جامعه‌ی اسلامی چنان مهم است که برای حل گره و مشکل یک مسلمان به معتکف اجازه داده شده همچنان که در حال اعتکاف است، از مسجد بیرون آید، مشکل نظام و مردم را حل کند و دوباره به جای خود برگردد که آن هم ادامه‌ی همین عبادت به حساب می‌آید نه بیگانه و جدای از آن؛ چون ارزش اعتکاف به عبادت بودن آن است. همان‌طور که وقوف در منا و مشعر و عرفه، عبادت است.

حکایت خواندنی امام حسن در اعتکاف

میمون بن مهران می‌گوید: من در پیشگاه امام مجتبی 7 مشرف بودم، در حالی که ایشان معتکف بودند. مردی به محضرشان شرفیاب شد و عرض کرد: مقروض هستم، کسی که از من طلب دارد، مطالبه کرده و چون قدرت پرداخت ندارم، می‌خواهد مرا به زندان بيفکند. امام حسن 7 فرمود: پولی ندارم که دین شما را ادا کنم. آن شخص به امام 7 عرض کرد: شما اگر بیایید با طلبکار صحبت کنید، ممکن است به پاس حرمت شما مرا به زندان نبرد.

میمون بن مهران می‌گوید: دیدم حضرت آماده شد که کفش بپوشد و از مسجد خارج شود. عرض کردم: آیا فراموش کرده‌اید که در حال اعتکاف هستید و معتکف نباید در حال اعتکاف از مسجد خارج شود؟ امام (علیه‌السلام) فرمود:

فراموش نکرده‌ام؛ ولی پدرم از جدّم رسول اکرم 6 نقل کرد که اگر کسی گرهی از کار مسلمین یا شخص مؤمنی بگشاید و حاجت او را برآورده سازد، مانند آن است که نه

هزار سال خداوند را عبادت کرده، روزها را به روزه و شبها را به شب زنده‌داری سپری کرده باشد.¹

در روایتی دیگر از امام صادق 7 آمده است که تلاش برای قضای حاجت برادر مسلمان، پاداش یک حج و یک عمره و دو ماه اعتکاف در مسجدالحرام را دارد.²

شایسته است که معتکف اولاً ظهور ولیّ ذات اقدس اله، بقیّت الله (ارواحنا فداه) را مسئلت نماید، آنگاه بقا و دوام نظام، صیانت و عظمت مقام معظم رهبری، بقای حوزه و دوام آن، رشد و تعالی روحی حوزه و صیانت و عظمت مراجع تقلید و صیانت و عظمت امت اسلامی و نجات مسلمانان محروم در شرق و غرب عالم را از ذات اقدس اله درخواست کند.

برای اجابت دعا‌های جزئی شرایط زیادی لازم نیست می‌توان آن‌ها را همیشه انجام داد. لذا در بسیاری از مواقع، به اجابت می‌رسد؛ اما دعا‌های کلی همیشه مستجاب نیست؛ چون استجاب آن‌ها متوقف بر وجود شرایطی است. دعا‌های کلی و وسیع از روح وسیع، سرچشمه می‌گیرد. روح وسیعی که نه تنها به بارگاه عرش الهی رسیده باشد، بلکه از آن نیز گذشته باشد. قلب مؤمن، عرش خداست [3] و قلب ولی خدا کرسی خداست. چنین قلب‌هایی اگر دعا کنند قطعاً مستجاب است؛ زیرا آن عناصر پنبه‌گانه که گذشت، به خوبی زمینه‌ی استجاب دعا را فراهم می‌کند.

1. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ج 10، ص 550.

2. همان، ص 555.

در اعتکاف چه از خدا بخواهیم ؟

آیت الله عبداﷲ جوادی آملی

در شرایط کنونی جهان، مخصوصاً خاورمیانه چشمش به نظام اسلامی ایران دوخته است؛ اینجاست که به قرآن و عترت در کنار هم معتقد است و می‌یابد و عمل می‌کند؛ اینجاست که با اخلاص توانسته است جنگ ده ساله را نه هشت ساله، جنگ دو ساله داخلی و هشت ساله خارجی را تحمل کند. اینجاست که عملاً نشان داد «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً»¹. اینجاست که وعده انجام شده الهی را به جهان نشان داد و نشان می‌دهد. از این ام‌القرای دینی متوقع است که فکر جهانی بکنند. معتکفان عزیز بدانند که برای خدای سبحان هیچ فرقی نیست که حاجت زید را برآورده کند یا حاجت جهان را. یک بحث کوتاهی در این زمینه ارائه بشود تا وارد بحث اصلی بشویم و روشن بشود ما از خدا چه بخواهیم و چقدر بخواهیم.

مستحضرید که قدرت ذات اقدس الهی نامتناهی است. این اصل اول با اراده کار می‌کند «فاعلٌ لا بمعنی الحركات»^[2] نه با اعضا و جوارح. اصل دوم، اگر قدرتی نامتناهی بود و با اراده کار کرد فرقی بین قلیل و کثیر نیست. اصل سوم، شما الآن با اراده و تصور یک قطره آب را تصور می‌کنید، یک اقیانوس را هم تصور می‌کنید. این طور نیست که تصور یک قطره برای شما آسان باشد و تصور یک اقیانوس برای شما سخت باشد، هر دو آسان است. ذات اقدس الهی دو نمونه در قرآن کریم ذکر می‌کند یکی آسان‌ترین کارهای جهان است، یکی سخت‌ترین کارهای جهان می‌فرماید. هر دو برای خدا آسان است آسان‌ترین کار کشیدن سایه شاخص است. وقتی شما چراغ را برگردانید این سایه شاخص گرفته می‌شود؛ سایه وجودی ندارد که قبض و بسطش

¹ . بقره، 249.

دشوار باشد. گرفتن سایه شاخص سخت نیست؛ فرمود: «ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا»^۱ یعنی سهلاً نه تدریجاً و آنچه از هر کاری مهم‌تر است جهان را به هم زدن و جهان را دوباره ساختن است. کاری از این دشوارتر فرض نمی‌شود که مجموعه نظام کیهانی به هم زده شود و دوباره بازسازی شود و اولین و آخرین که رخت برپسته‌اند، همه زنده شوند. از این کار دشوارتر فرض نمی‌شود.

حاجت‌های خود را جهانی کنید

فرمود: «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ»^۲ یعنی «تبدل السماوات غیر السماوات» یعنی مجموعه نظام سپهری رخت برمی‌بندد. (این یک)، «إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ كَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ»^۳ همه را ما دوباره زنده می‌کنیم (این دو)، فرمود: «ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ»^۴ این حشر اکبر برای ما آسان است کشیدن یک سایه شاخص برای خدا، همانند بازسازی کل جهان است. اگر همه کارها برای ذات اقدس الهی سهل است، چرا حاجت جهانی را نخواهیم. اکنون که شما معتکفان به لطف الهی این توفیق را در سراسر ایران اسلامی داشته و دارید، مخصوصاً جوان‌ها هم‌تتان بلند باشد. خدای سبحان در انجاز وعده در قضای حاجت فرقی بین قلیل و کثیر نمی‌گذارد از یک سو، از طرفی ما پرورده اهل بیتیم آن‌ها ما را به همت والا فرا خواندند.

۱. فرقان، 46.

۲. ابراهیم، 48.

۳. واقعه، 50.

۴. ق، 44.

وجود مبارک پیامبر اکرم⁶ فرمود: « إِنَّ اللَّهَ جَوَادٌ يُحِبُّ الْجُودَ وَمَعَالِيَ الْأُمُورِ وَيَكْرَهُ سَفْسَافَهَا¹ » خدا همت‌های بلند را دوست دارد؛ نه تنها با آن درگیر نیست یا مزاحمت نمی‌کند یا منع نمی‌کند، همت بلند را دوست دارد. همت نازل محبوب خدا نیست. شما اگر بگویید خدایا ما را بیمارز یک حد محبوبیت است؛ خدایا همه ایرانی‌ها را بیمارز یک حد است؛ همه شیعیان جهان را بیمارز یک حد است؛ همه مسلمین بیدار شده خاورمیانه را به مقصد به رسان یک حد است؛ همه ناآگاهان را آگاه کن یک حد است. برای خدا فرق نمی‌کند دعاهایتان را توسعه بدهید خواسته‌هایتان را توسعه بدهید؛ این ذوات قدسی این دعاها را به ذات اقدس الهی عرضه می‌کنند و خدای سبحان می‌پذیرد.

اعتکاف؛ توقف برای حرکت

در جریان اعتکاف مستحضرید که ذات اقدس الهی راه‌های فراوانی گذاشته که ما آن کَدْح دشوار را از درون شروع بکنیم. این معنا برای همه ما عقده است که در قرآن کریم فرمود: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ²» تو سالکی، کادحی به طرف خدا می‌روی با تلاش و کوشش می‌روی تا خدا را ملاقات کنی. آیا - معاذ الله - خدا در برزخ است، در قیامت است، در بهشت است یا «أَقْرَبُ إِلَيْنَا مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ³» اگر «أَقْرَبُ إِلَيْنَا مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» است، این کَدْح کجاست؟

¹ . جامع احادیث شیعه، بروجردی، آقا حسین، ج 22، ص 302.

² . انشقاق، 6.

ما زمینی سفر کنیم، زمانی سفر کنیم، کجا به رویم که او را به بینیم؟ اگر او «أقرب إلینا من حبل الوريد» یعنی تمام تلاش و کوشش ما این باشد که این حجاب‌ها را برطرف بکنیم این غبارها را و به تعبیر آیه قرآن کریم «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۱ را برطرف کنیم. این رِنِ را، این غبار را، این چرک را برطرف کنیم، تا بیدار بشویم و به بینیم آن چشمی که در سوره حج فرمود: برخی‌ها چشم دلشان کور است را با جراحی بینا کنیم، بیدار کنیم «لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ»^۲ اگر آن چشم دل باز باشد؛ ما می‌بینیم اگر عده‌ای در دنیا در ظرف خودشان و به اندازه خودشان خدا را مشاهده نکردند برای همان رِنِی است که گرفتار آن شدند. این دعا، این عبادت‌ها، این اعتکاف‌ها سهم تعیین‌کننده‌ای در شستشوی این صحنه دل دارد. اگر این رِنِ‌ها برطرف بشود انسان به مقدار خود، خدا را می‌شناسد؛ وقتی شناخت راحت است.

مرحوم صدوق؛ در کتاب شریف توحید از وجود مبارک امام صادق 7 نقل می‌کند که انسان می‌تواند به لقاء الله بار یابد؟ ابوبصیر کور به حضرت عرض کرد آیا خدا را در قیامت می‌توان دید؟ فرمود: قبل از قیامت دیدند! بعد لحظه‌ای تأمل کرد و به ابی‌بصیر نابینا فرمود: ابی‌بصیر مگر هم‌اکنون خدا را نمی‌بینی؟! خب اگر یک عنایت صادقی 7 باشد آن قلب باز می‌شود. انسان به مقدار خود خدا را می‌شناسد و همین شهود خداست آن‌گاه ابوبصیر کور به امام صادق 7 عرض می‌کند: من این حدیث را نقل بکنم؟ فرمود برای توده مردم نه، برای اینکه آنها متوجه نمی‌شوند مشکلاتی دارد البته در جمع خواص و علما و این‌ها عیب ندارد. لذا مرحوم صدوق؛ همین مطلب را

1. مطففین، 14.

2. حج، 46.

برای خواص در کتابش نقل کرد. این جمله در متن روایت نیست که برای توده مردم نقل نکنید؛ برای خواص نقل کنید، ولی مرحوم صدوق همین را برای علما نقل کرده است.

اعتکاف؛ تلفیق چند عبادت

اعتکاف نتیجه مهمی که دارد آن است که این رین‌ها، این غبارها، این چرک‌ها شستشو می‌شود؛ وقتی شستشو شد انسان خالق خود را می‌شناسد به مقداری که مقدور اوست، آن مقداری که مقدور ماست از درون بتوانیم خدا را بشناسیم و به وظیفه‌مان عمل بکنیم، با این برکات اعتکاف حل است. ویژگی اعتکاف این است که یک تلفیق مبارک و با یمن و برکت است. ما یک نماز داریم که از آن به عنوان ستون دین تعبیر شده است و چون کتاب، کتاب حکیم است «وَالْقُرْآنُ الْحَكِيمُ» و دین، دین حکمت و عقل است هیچ جای قرآن یا روایات نیامده که شما نماز بخوانید برای اینکه دین، قرآن، روایات نماز را به عنوان ستون دین معرفی کردند (یک) ستون را که کسی نمی‌خواند ستون را اقامه می‌کند (دو) باید حرف‌ها هماهنگ باشد (سه) آن دینی که می‌گویند «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ» همان دین می‌گوید: «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ»؛ اگر می‌گفت نماز ستون دین است، بعد می‌گفت نماز بخوانید ناهماهنگ بود. نماز که ستون دین است در مسئله اعتکاف حضور دارد. روزه که «جَنَّةُ مِنَ النَّارِ» و سهر آتش است، با همه جلال و شکوهی که دارد، شرط اعتکاف است. این اعتکاف چه قدرتی است که تازه روزه گرفتن شرط آن است. شما می‌بینید وضو گرفتن عبادت است اما به پایگاه نماز که نمی‌رسد؛ چون به پایگاه نماز نمی‌رسد، مقدمه نماز و شرط نماز

1. یس، 2.

2. امالی، طوسی، محمد بن الحسن، ص 529.

است. روزه با همه جلال و شکوهی که دارد، به پایگاه اعتکاف نمی‌رسد و گرنه شرط اعتکاف نبود.

خب اینکه گفته شد «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ» نماز است، روزه است، زکات است، حج است، ولایت است¹ بخش وسیعی از این مبانی پنج‌گانه را شما در اعتکاف می‌بینید نماز را که می‌بینید؛ روزه که با آن جلال و شکوه وصف شده است و یکی از مبانی خمسه اسلام است، تازه شرط اعتکاف است؛ بخش وسیعی از اَعْمَالِ احرام حج و عمره که وصف مُحْرمان حج و عمره است در اعتکاف هست؛ آثار حج را شما در اعتکاف می‌بینید؛ آثار ولایت که مشهود در اعتکاف است؛ یک عبادت تلفیقی مرکب از نماز و روزه و حج و این‌ها را می‌بینید. غالباً فتوا دادند در حال اعتکاف خرید و فروش حرام است همان طوری که درباره نماز جمعه گفته شد «إِذَا تُؤَدِّيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ²». خب خرید و فروش حرام است؛ شَم طیب حرام است؛ لمس و مَسّ نسا حرام است؛ شما آثار حج را می‌بینید، آثار عمره را می‌بینید، آثار صوم را می‌بینید، آثار نماز را می‌بینید، آثار مَشعر و منا را می‌بینید؛ شما در جریان مَشعر یک عبادت دارید و آن عبادت شبانه است؛ شما در عرفات برنامه روزانه دارید شب در عرفات برنامه ندارید. وقوف در عرفات واجب نیست در بیتوته منا بالأخره شب بیتوته است نه روز، روز ذبح و قربانی است نه شب، اما شما در اعتکاف یک وحدت ملتئم ملفّق پیچیده شبانه‌روزی دارید. این‌چنین نیست که شب‌ها فارغ باشید. نظیر ماه مبارک رمضان است که انسان با فرا رسیدن مغرب افطار می‌کند، ولی همچنان معتکف است. همه محرمات اعتکاف در حال شب هم حرام است. این نظیر صوم ماه مبارک رمضان نیست که محرمات برای روز باشد، شب حلال باشد.

1. کافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ج 2، ص 18.

2. جمعه، 9.

مهمان صاحب‌خانه‌ای است که این صاحب‌خانه فرمود: اگر می‌خواهی به من نزدیک بشوی، باید به فرشتگان من نزدیک بشوی. خب اگر کسی بخواهد قربت الی الله کار به کند باید کار الهی به کند، صاحب عروه فرمود: در فضیلت روزه همین بس که انسان شبیه فرشته می‌شود. خب به ما گفتند روز فرشته باش، شب فرشته باش، برای چه فرشته باش؟! آیا گفتند نخور که به تو خوراکی بدهیم، نپوش که به تو پوشاکی بدهیم؟! اگر حکیم سنایی گفت:

تو فرشته شوی ار جهد کنی از پی آنک *** برگ توت است که گشتست به تدریج
اطلس.

این طلعه راه است؛ خب حکیم سنایی حکیم است، یک انسان عالم و دانشمند است فرمود: شما اگر بخواهی تربیت بشوی ابزار دینی مهیاست. بهترین پارچه‌ها و پرده‌های جهان طبیعت همان پرنیان است، یعنی حریر این حریر را چه کسی ساخت یک کرم ابریشم، کرم ابریشم چه چیزی را حریر ساخت برگ توت را.

اگر یک برگ توت تربیت بشود، می‌شود پرنیان. اگر یک انسان تربیت بشود، می‌شود فرشته. اگر یک برگ توتی که در زباله‌ها می‌رود، وقتی استاد ببیند، می‌شود پرنیان. خب حالا چرا انسان فرشته نشود! شما در سوره مبارکه انبیاء وصف فرشته‌ها را چه می‌بینی؟ فرمود: «بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ* لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِ يَعْمَلُونَ» در زیارت جامعه در وصف اهل بیت: چه می‌بینی؟ فرمود: «عباده المکرّمین الذین لا یسبقونه بالقول و هم بأمره یعملون». همان است شما با ملائکه روبه‌رو هستید. خیلی‌ها این زیارت جامعه را می‌خوانند برای ثواب بردن؛ بله ثواب هم دارد.

اعتکاف یک عبادت تلفیقی است که این عبادت تلفیقی درون انسان را راحت می‌کند. وقتی انسان از اعدای عدو نجات پیدا کرد شود، باکی از دشمن برونی نیست.

فرصتی برای مسافرت به درون

دشمن برونی مگر چه کار می‌تواند به کند؟! در این فرصت زرّین اعتکاف انسان راه خودش را پیدا می‌کند. وقتی راه خودش را پیدا کرد از چیزی نمی‌هراسد؛ هم دین خودش را حفظ می‌کند؛ هم دین محلی را حفظ می‌کند؛ هم دین منطق‌های را حفظ می‌کند؛ هم دین بین‌المللی را حفظ می‌کند این عبادت تلفیقی را شما می‌بینید که بهترین راه این است که شما سحرهایتان را دریابید برهان قرآن کریم هم این است که «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً» جریان سحرخیزی نشئه خاص دارد برای اینکه نه مزاحم درونی هست، نه مزاحم بیرون هست. انسان خوابیده خستگی‌اش برطرف شده مزاحم و عوامل بیرونی هم به خواب‌اند هیچ کسی مزاحم آدم نیست.

حالا روشن شد که ما مسافر درونیم نه بیرون، خب چه کار کنیم که این درون را به شکافیم و ذات اقدس الهی را به مقداری که مقدور خود ماست بفهمیم، فرمود: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً» سحرها را دریابید شما معتکفان به لطف الهی سحر دارید. بیان نورانی امام عسکری 7 باید کاملاً ملحوظ باشد، مسافر یک زاد می‌خواهد یک راحله؛ اگر بخوای بی‌زاد بروی سخت است، با زاد بی‌راحله بروی دشوار است، با زاد و راحله بروی این یَسیر است.

زاد را قرآن کریم در سوره بقره مشخص کرد. فرمود: «تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى»¹ تقوا زاد است. خب راحله را چه کسی گفته؟ آن که عدل قرآن است، یعنی وجود مبارک امام عسکری⁷، فرمود: «إِنَّ الْوَصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرَكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ»² مگر نمی‌خواهید به لقاء الله بروید؛ مگر کادح الی الله نیستید می‌خواهی پیاده بروی یا سواره؟ پیاده بروی خیلی سخت است. امتطاء که باب افتعال است یعنی «أَخَذَ الْمِطْيَةَ» مطیه آن مرکب راهوار را می‌گویند. مگر نمی‌خواهی سواره بروی، این نماز شب مرکب راهوار توست. بلند شو نماز شبت را بخوان! سواره برو، بدون امتطاء نمی‌شود.

طرح درس اعتکاف (نماز)

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وآل الله ولا سيما المجاهد في سبيل الله المكنى بابي عبد الله ولعنه الله على أعدائهم أعداء الله من الآن الى يوم لقاء الله والصلاة والسلام على المهدي المنتظر بقيه الله

شروع با احادیثی در فضیلت ماه رجب و اعتکاف

حضرت صادق - علیه السلام - فرمود: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ - نَادَى مُنَادٌ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ أَيْنَ الرَّجَبِيُّونَ فَيَقُومُ أَنَسٌ تَضِيءُ وَجُوهُهُمْ لِأَهْلِ الْجَمْعِ عَلَى رُءُوسِهِمْ تِيجَانُ الْمَلِكِ وَذَكَرَ ثَوَابًا جَزِيلًا إِلَى أَنْ قَالَ هَذَا لِمَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ شَيْئًا وَكَوَّ يَوْمًا فِي أَوَّلِهِ أَوْ وَسْطِهِ أَوْ آخِرِهِ»³

¹ . بقره، 197.

² . بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر، ج 75، ص 380.

³ . همان، ص 479.

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : مَنْ اعتكفَ يوماً ابتغاءَ وجهِ الله جعل الله بيته و بين النار ثلاثَ خنادقَ أبعدُ ممَّا بينَ الخافقين¹ (آسمان و زمین).
 رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فِي الْمُعْتَكِفِ: هُوَ يَعْرِفُ الذُّنُوبَ، وَيُجْرَى لَهُ مِنْ
 الْحَسَنَاتِ كَعَامِلِ الْحَسَنَاتِ كُلِّهَا.

النبي 6 قال: مَنْ اعتكفَ إيماناً و احتساباً غُفِرَ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ²
 هدف از اعتکاف فهم این جمله: برای دنیا آفریده نشدیم از حب لله به حب فی الله
 برسیم

دنیا مزرعه آخرت است.

کشاورز در مزرعه برای همیشه نمی ماند

به آن دل نمی بندد

آن را وسیله امرار معاش قرار می دهد، نه هدف

علاقه های انسان بر اثر زندگی مادی:

أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ³
 در لیست علاقه مندی ها بعضی ها می نویسند ماشینم شغلم.

امام صادق 7 فرمود سزاوار است معتکف از همه محرمات احرام دوری کنه

يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ إِذَا اعْتَكَفَ أَنْ يَشْتَرِطَ كَمَا يَشْتَرِطُ الَّذِي يُحْرِمُ؛

حتی نگاه در آینه که کم ترین لذت دنیاست

1 . الجامع الصغير، ج 8، ص 523.

2 . كنز العمال، ح 24007.

3 . تحف العقول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ص 274.

4 . کافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ج 4، ص 177.

قَالَ الْمُعْتَكِفُ لَا يَشْمُ الطَّيْبَ وَلَا يَتَلَدَّدُ بِالرَّيْحَانِ وَلَا يُمَارِي وَلَا يَشْتَرِي وَلَا يَبِيعُ قَالَ
وَمَنْ اعْتَكَفَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَهُوَ يَوْمَ الرَّابِعِ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ زَادَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أُخَرَ وَإِنْ شَاءَ
خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ¹

پس از روایات که حتی خارج شدن از مسجد بدون عذر را موجب بطلان اعتکاف
میدونه یا خرید و فروش را نهی می کند میتونیم متوجه بشیم که هدف تمرین دوری
از دنیا به معنی عدم دلبستگی است.

هدف رسیدن به حب فی الله است (دوست داشتن به خاطر خدا)
اگر تمام مردم مسلمان شوند یا کافر به مانند برای کسی که وظیفه خودش را انجام
داده تفاوت نمی کند.

منتهی به بینید شدت دوست داشتن خدایی رسول الله را ... همان کس که قرآن در
مورد فرمود:

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ²
لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ
رَحِيمٌ³

طه ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى⁴

حالا به بینیم این اشرف کائنات به که دعا می کند و به چه دعوت می کند.
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْحَمُ خُلَفَائِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - قِيلَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ - قَالَ
الَّذِينَ يَأْتُونَ مِنْ بَعْدِي - وَيُرَوُّونَ أَحَادِيثِي وَسُنَّتِي - وَيَعْلَمُونَهَا النَّاسُ مِنْ بَعْدِي¹

1 . همان، ص 178.

2 . شعراء، 3.

3 . توبه، 128.

4 . طه، 1 و 2.

چه حدیث و کلامی از رسول الله در عبودیت مهم تر از نماز است؟

امام عسکری در باب اهمیت هدایت یک انسان چه می فرماید :

أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيُّ 7 فِي تَفْسِيرِهِ، حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ آبَائِهِ 7 أَنَّهُ قَالَ أَشَدُّ مِنْتَمِ الْيَتِيمِ
الَّذِي انْقَطَعَ عَنْ أَبِيهِ يُتَمُّ يَتِيمٍ انْقَطَعَ عَنْ إِمَامِهِ... أَلَا فَمَنْ هَدَاهُ وَ أَرَشَدَهُ وَ عَلَّمَهُ شَرِيعَتَنَا
كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى 2

چه هدایتی برای فرد در دنیا برای قرار گرفتن در مسیر دین بهتر از نماز است؟

همه منتظریم امام زمان بیاید همه چیز را اصلاح کند، در صورتی که امام زمان از یاران خود جهت اصلاح کمک می گیرد. چه کار کنیم در زمان غیبت کار امام زمانی کنیم؟! به بنیند اگر امام زمان بود چه می کرد همان گام را شما بردارید «مَا لَا يُدْرِكُ كُفُّهُ لَا يُتْرَكُ كُفُّهُ» 3

همه مفسرین اجماع دارند مصداق اعظم این آیه امام زمان است «الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» 4

چه کاری برای امام زمان مهم تر از اقامه نماز است؟

امام حسن مجتبی علیه السلام در حال اعتکاف در مسجد الحرام، مشغول طواف خانه خدا بود که ناگهان مردی نزد آن حضرت آمد و عرض کرد: من به فردی بدهکارم و طلبکارم تهدید کرده اگر قرض او را ادا نکنم آبرویم به برد. حضرت طواف را قطع کرد و از مسجد الحرام خارج شد تا همراه وی به نزد طلبکارش رود و برای او مهلت بگیرد.

1 . صحیفه الإمام الرضا 7، ص 57.

2 . الإحتجاج علی أهل اللجاج، طبرسی، احمد بن علی، ج 1، ص 16.

3 . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، ج 19، ص 75.

4 . حج، 41.

ابن عباس که گمان برد حضرت اعتکاف خویش را از یاد برده است عرض کرد: گویا اعتکاف خود را فراموش کرده اید؟ حضرت فرمود: «لَمْ أَنْسُ وَلَكِنِّي سَمِعْتُ أَبِي يُحَدِّثُ عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَكَأَنَّمَا عَبْدُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ تَسَعَهُ أَلْفَ سَنَةٍ صَائِمًا نَهَارَهُ قَائِمًا لَيْلَهُ؛ از یاد نبرده ام، ولی از پدرم شنیدم که از جدم رسول خدا 6 نقل می کرد که او فرمود: هر کس در مورد حاجت برادر مسلمانش تلاش کند، مانند آن است که خدای عزیز و جلیل را نه هزار سال عبادت کرده باشد، که روزهایش را روزه بوده و شبهایش را به قیام گذرانده باشد.

دعوت به نماز مهم است که ستون دین است یا ادای قرض یک مومن

پاک نمودن یک سخن غلط

در ذهن برخی جا افتاده ((تبلیغ دین را فقط وظیفه روحانیت است)) انسان مومن همانگونه که نسبت به تامین معاش مستمندان حقیقی وظیفه دارند، جهت تامین غذای معنوی وظیفه دارند به طریق اولی. با چند جمله به ضرورت این امر پی می بریم:

نهی از منکر واجب است: ترک نماز بزرگترین منکر است.
امر به معروف واجب است: نماز بالاترین معروف عملی است «أَوْصِيكُمْ بِالصَّلَاةِ وَحِفْظِهَا فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ وَهِيَ عَمُودُ دِينِكُمْ»
نجات بستگان از آتش جهنم دستور قرآن است: آتش جهنم جایگاه بی نمازان است.

1. کافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ج 2، ص 197.

2. امالی، طوسی، محمد بن الحسن، ص 522.

انسان مشتاق کمال است واز کسی که او را به کمال راهنمایی کند تجلیل می کند: نماز وسیله رسیدن به کمال است.

انسان دوستدار چیزهای باارزش و دارای اثر در زندگی است: هیچ عبادتی همانند نماز اثربخش بر زندگی انسان ندارد.

هیچ انسانی انجام کار زشت را نمی پسندد و دوست دارد همیشه عمل شایسته انجام دهد: دوری از منکرات در پرتو نماز است.

ایجاد اعتماد به نفس درون مخاطب

آنکه نماز می خواند، تارک نماز را دعوت نماید.

آنکه نماز اول وقت می خواند، تشویق به اول وقت کند.

آنکه نماز با حضور قلب می خواند، دعوت به نماز کامل کند.

این پیامبر که لحظه مرگ به عزرائیل می فرماید: صبر کن تا جبرئیل مرا بشارت دهد آیه وَكَسُوفٌ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى را جبرئیل می خواند ¹

1. وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ 7 قَالَ لَمَّا حَضَرَتِ النَّبِيُّ الْوَفَاةُ اسْتَأْذَنَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَخَرَجَ إِلَيْهِ عَلَى 7 فَقَالَ حَاجَّتُكَ قَالَ أَرَدْتُ الدُّخُولَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ 6 فَقَالَ عَلَى كَسْتُ تَصِلُ إِلَيْهِ فَمَا حَاجَّتُكَ فَقَالَ الرَّجُلُ إِنَّهُ لَا بُدَّ مِنَ الدُّخُولِ عَلَيْهِ فَدَخَلَ عَلَى فَاسْتَأْذَنَ النَّبِيَّ ع فَأَذِنَ لَهُ فَدَخَلَ وَجَلَسَ عِنْدَ رَأْسِ رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ قَالَ وَ أَيْ رَسُولِ اللَّهِ أَنْتَ قَالَ أَنَا مَلَكُ الْمَوْتِ أُرْسِلُنِي إِلَيْكَ يُخْبِرُكَ بَيْنَ لِقَائِهِ وَ الرَّجُوعِ إِلَى الدُّنْيَا فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ فَأَمْهَلْنِي حَتَّى يَنْزِلَ جِبْرِئِيلُ فَاسْتَشِيرَهُ وَ نَزَلَ جِبْرِئِيلُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى لِقَاءَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكَ فَقَالَ ص لِقَاءَ رَبِّي خَيْرٌ لِي. كشف الغمّة، ج 1، ص 19.

همين پیامبر می فرماید «لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ اسْتُخِفَّ بِصَلَاتِهِ وَلَا يَرُدُّ عَلَى الْحَوْضِ لَا وَاللَّهِ»

این پیامبر که «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۲

همین پیامبر قَالَ رَسُولُ اللَّهِ 6 «مَا بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَبَيْنَ أَنْ يَكْفُرَ إِلَّا تَرْكُ الصَّلَاةِ الْفَرِيضَةِ

3. «مُتَعَمِّدًا أَوْ يَتَهَاوَنَ بِهَا فَلَا يُصَلِّيَهَا

¹ . کافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ج 6، ص 40.

² . انبیاء، 107.

³ . وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ج 4، ص 42.

آشنایی با اعتکاف واحکام آن

اسلام، فکر جدایی از زندگی دنیا و گوشه نشینی و کناره گیری از مردم و به تعبیر دیگر رهبانیت را باطل و ناپسند اعلام کرد، اما اعتکاف را به عنوان فرصتی برای بازگشت به خویش و خدای خویش قرار داد، تا کسانی که از هیاهو و جنجال‌های زندگی مادی خسته می‌شوند، بتوانند چند صباحی با خدای خود خلوت کنند و جان و روح خود را با خالق هستی ارتباط دهند و با توشه معنوی و اعتقادی راسخ و ایمان و امیدی بیشتر به زندگی خود ادامه دهند، و خود را برای صحنه‌های خطر و جهاد در راه خدا آماده سازند و همیشه با یاد خدا تلاش کنند و خود را در محضر پروردگار ببینند و از نافرمانی او به پرهیزند و به سوی سعادت دنیا و آخرت گام بردارند، که با اندک تاملی در احکام و مسائل این برنامه زیبایی عبادی پی به چنین حقایقی خواهیم برد.

از آنجا که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سنت اعتکاف حیات دیگری یافته و جمع زیادی از مشتاقان به ویژه جوانان بدان روی آورده‌اند و چون در سابق، کمتر مورد توجه بوده، احکام آن در اکثر رساله‌های توضیح المسائل یافت نمی‌شود، لذا بر آن شدیم که احکام اعتکاف را به مقداری که مورد ابتلاء و نیاز است، با استفاده از منابع معتبر فقهی و استفتاءات جدید، مطابق با فتاوی مراجع معظم تقلید آماده کنیم. امیدواریم راه گشای بندگان خالص خداوند باشد و مورد قبول حضرت حق قرار بگیرد.

یادآوری:

آنچه در این نوشته به صورت مساله آورده شده، بر اساس فتاوی بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی قدس سره است که از ترجمه بحث

اعتکاف کتاب «الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى» با ملاحظه حواشی معظم له و کتاب «تحریر الوسيله» استفاده شده است.

فتاوی سایر مراجع معظم تقلید نیز با استفاده از تعلیقات آن بزرگواران بر کتاب «عروة» و استفتاءاتی که توسط حجت الاسلام محمد حسین فلاح زاده تنظیم شده، آورده شده است.

تعریف اعتکاف

1- اعتکاف، در لغت به معنای توقف در جایی است و در اصطلاح احکام، عبارت است از ماندن در مسجد به قصد عبادت خداوند، با شرایطی که خواهد آمد.

اقسام اعتکاف

2- اعتکاف بر دو قسم است، مستحب و واجب، که در اصل، یک عمل مستحبی است، ولی ممکن است به سببی واجب شود، که از جمله اسباب وجوب اعتکاف، این امور است:

نذر، عهد یا قسم، مثلاً انسان نذر کند یا با خدای خود عهد کند یا قسم بخورد که اگر در فلان کار موفق شد، یا از فلان بیماری شفا پیدا کرد چند روز در مسجد معتکف شود.

شرط ضمن عقد، مثلاً هنگام قرار داد اجاره منزل، صاحب خانه شرط می‌کند که مستاجر هر سال پنج روز در مسجد معتکف شود و مستاجر نیز این شرط را می‌پذیرد.

اجاره، مثلاً شخصی اجیر می‌شود که با دریافت مزد-یا بدون دریافت مزد-از طرف میت در مسجد معتکف شود (مانند نماز استیجاری).

زمان اعتکاف

3- در طول سال در هر زمانی که انسان بتواند، حداقل سه روز در مسجد بماند و روزه بگیرد صحیح است (تفصیل این مساله در بحث مدت اعتکاف و روزه اعتکاف

خواهد آمد.) ولی بهترین زمان برای اعتکاف ماه مبارک رمضان و در ماه رمضان، دهه آخر آن است.

4- س: آیا اعتکاف نذری را می‌توان در ماه رمضان انجام داد؟

آیت الله بهجت: مانعی ندارد.

آیت الله مکارم: مانعی ندارد، مگر اینکه نیت او غیر ماه رمضان باشد.

آیت الله صافی: اگر نذر مطلق یا مقید به ماه رمضان باشد، اشکال ندارد.

5- س: افضل اوقات اعتکاف چه زمانی است؟ آیا ایام البیض ماه رجب فضیلت

خاصی برای اعتکاف دارد؟ (ایام البیض سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم).

آیت الله مکارم: بهترین اوقات اعتکاف، ماه مبارک رمضان و از همه بهتر دهه آخر آن است.

آیت الله بهجت: افضل اوقات ماه رمضان است، خصوصا در دهه آخر آن و ایام البیض رجب نیز تاکید شده است.

شرایط اعتکاف

6- در صحت اعتکاف، اموری شرط است که برخی از آنها مربوط به شخص

معتکف و برخی مربوط به خود اعتکاف است که در اینجا به بیان آن شرایط، و احکام لازم آنها می‌پردازیم.

1- عقل (از دیوانه صحیح نیست).

2- ایمان (از غیر مؤمن صحیح نیست).

3- قصد قربت (هر گونه ریا و خود نمایی، اعتکاف را باطل می‌کند).

4- روزه داری در ایام اعتکاف.

5- اجازه گرفتن از کسی که اجازه او لازم است.

6- از سه روز کمتر نباشد.

7- در مسجد جامع باشد.

8- ادامه ماندن در مسجد و خارج نشدن از آن.

نیت اعتکاف

7- اعتکاف، همانند سایر عبادات، باید با نیت و قصد قربت باشد و هر گونه ریا و خود نمایی و قصد غیر الهی آن را باطل می کند.

8- از آغاز تا پایان اعتکاف، باید با نیت و قصد قربت باشد، بنابراین اگر به همین قصد، اعتکاف را شروع کند صحیح است، همچنین اگر به قصد اینکه فردا معتکف شود به مسجد برود و از اول وقت (طلوع فجر) در آنجا باشد صحیح است.

9- س: زمان نیت اعتکاف چه وقتی می باشد؟ و آیا اول شب می شود نیت کرد؟
آیت الله تبریزی: زمان نیت اعتکاف، وقت شروع اعتکاف است که طلوع فجر می باشد و با استمرار نیت اول شب هم مانعی ندارد.

10- س: آیا تجدید نیت در روز سوم اعتکاف مستحب لازم است؟

آیت الله صافی: بهتر است که تجدید نیت وجوب نماید.

آیت الله بهجت: تجدید نیت در روز سوم لازم نیست، گر چه احوط است.

آیت الله مکارم: تجدید نیت لازم نیست.

عدول از نیت اعتکاف

11- عدول از اعتکافی به اعتکاف دیگر جایز نیست، و فرقی نیست که هر دو واجب باشد، مثلاً از اعتکاف استیجاری (که برای دیگری با دریافت مزد انجام می دهد) به نذری، یا هر دو مستحب، مثلاً از اعتکاف برای خود به اعتکاف نیابتی تبرعی (داوطلبانه و بدون دریافت مزد) یا یکی واجب و دیگری مستحب، مثلاً از

ابتدا به نیت اعتکاف نذری در مسجد مانده و در روز دوم نیت را از نذر به استحباب برگرداند.

12- عدول از نیابت شخصی به نیابت از شخص دیگر جایز نیست، مثلاً دو روز به نیابت «علی» معتکف بوده و روز سوم به نیابت از «حسن» اعتکاف کند.

13- اگر قصد داشته که اعتکاف را برای خودش انجام دهد، پس از شروع نمی‌تواند نیت را برگرداند، و به نیابت از دیگری به اتمام برساند، همچنان که عکس این نیز جایز نیست.

روزه اعتکاف

14- انسان، در ایام اعتکاف باید روزه بگیرد، بنابراین، کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد، مانند مسافر، مریض و زن حیض یا نفساء و کسی که عمداً روزه نگیرد، اعتکافش صحیح نیست.

15- مسافر و مریض اگر معتکف شوند صحیح نیست، ولی زن حیض یا نفساء نه تنها اعتکافش صحیح نیست بلکه به جهت توقف در مسجد گناه کار است.

16- اعتکاف در روز عید فطر و قربان یا دو روز قبل از عید به طوری که روز سوم آن عید باشد صحیح نیست.

17- لازم نیست که روزه، مخصوص به اعتکاف باشد، بلکه هر روزه ای باشد صحیح است، مثلاً در ایام اعتکاف، روزه قضا یا نذری یا استیجاری⁽³⁾ بجا آورد.

18- اگر شخصی نذر کند که در ایام معینی معتکف شود⁽⁴⁾ و در همان ایام روزه نذری یا استیجاری بر عهده او باشد، می‌تواند در همان اعتکاف، روزه نذری یا اجاره‌ای خود را بجا آورد. ولی اگر نذر اعتکاف بدین گونه بوده است که روزه برای اعتکاف یا به خاطر اعتکاف باشد، کفایت از روزه نذری یا اجاره‌ای نمی‌کند⁽⁵⁾.

19- انسان می تواند نذر کند، در سفر روزه بگیرد و به نظر برخی مراجع معظم تقلید، حتی هنگام سفر هم می تواند نذر کند که روزه بگیرد و در این صورت اعتکافش صحیح است. به یک استفتاء توجه کنید:

20- سن: آیا در مسافرت می شود روزه در سفر را نذر کند؟

آیات عظام خامنه ای، سیستانی، بهجت: می تواند.

آیت الله مکارم: اشکال دارد ولی اگر نذر کرد، احتیاط آن است که به نذر خود عمل کند.

آیت الله فاضل: خیر.

21- سن: آیا هر گونه روزه، و لو استیجاری و... برای اعتکاف کافی است؟

آیت الله فاضل: خیر، بلکه روزه اعتکاف باید به نیت کسی باشد، که اعتکاف به نیت او انجام می گیرد، لذا کفایت روزه استیجاری و غیره برای کسی که در نیت خود اعتکاف نموده محل تأمل و اشکال است.

آیت الله مکارم: کفایت روزه استیجاری برای اعتکاف مشکل است.

آیت الله بهجت: کافی است.

اجازه اعتکاف

22- این افراد بدون اجازه، نمی توانند معتکف شوند:

زن بدون اجازه شوهرش، ⁽⁶⁾ در صورتی که اعتکاف موجب از بین رفتن حق او باشد، بنابر احتیاط واجب ⁽⁷⁾ اجازه او لازم است.

فرزند بدون اجازه والدین، ⁽⁸⁾ در صورتی که اعتکاف او موجب اذیت و آزار آنان باشد و اگر موجب اذیت و آزار آنان باشد و اگر موجب اذیت و آزار آنها هم نباشد احتیاط مستحب ⁽⁹⁾ است اجازه بگیرد.

کسی که در استخدام دیگری است، مانند برخی از کارگران و کارمندان، در صورتی که قرارداد اجاره به گونه ای است که منفعت اعتکاف را نیز در بر می گیرد، یعنی اعتکاف با عمل به اجاره منافات دارد.

23- در اعتکاف، بلوغ شرط نیست، بنابراین اگر کودک ممیز معتکف شود، صحیح است.

مدت اعتکاف

24- مدت اعتکاف حداقل سه روز است و کمتر از آن صحیح نیست ولی در زیاده حدی ندارد. ولی اگر پنج روز معتکف شود، روز ششم را نیز واجب است بماند، بلکه بنابر احتیاط واجب، هر گاه دو روز اضافه کرد، روز سومش هم باید بماند، پس اگر هشت روز معتکف شد، روز نهم هم واجب است.

25- این سه روز از طلوع فجر روز اول تا مغرب⁽¹⁰⁾ روز سوم است، بنابراین اگر بعد از طلوع فجر، و لو با چند دقیقه تاخیر به مسجد برسد آن روز جزو اعتکاف به حساب نمی آید و چنانچه قبل از مغرب روز سوم، اعتکاف را قطع کند، افزون بر آنکه کار حرامی کرده، اعتکاف نیز باطل است.

26- سه روز اعتکاف با شب های آن است که حداقل سه روز و دو شب در وسط است، بنابراین نمی تواند شب ها را از مسجد خارج شود، یا نذر کند که سه روز بدون شب ها در مسجد معتکف شود.

27- اگر انسان نذر کند که دو روز معتکف شود نه بیشتر از آن، اینگونه نذر باطل است،⁽¹¹⁾ ولی اگر مقید نکرده که بیشتر نباشد نذر صحیح است و واجب است که روز سوم را نیز بماند.

28- س: منظور از روز در اعتکاف چیست؟

آیات عظام تبریزی، بهجت، مکارم: منظور از روز، طلوع فجر است تا غروب آفتاب چنانچه در احکام نماز ذکر شده است.

29- س: اگر کسی نذر کند، سه روز منفصل اعتکاف کند آیا نذرش منعقد می‌شود؟ نذر اعتکاف کمتر از سه روز چه؟

آیت الله بهجت: منعقد نمی‌شود.

آیت الله صافی: الف: منعقد نمی‌شود ب: اگر مقید به کمتر از سه روز باشد منعقد نمی‌شود.

30- س: آیا بیشتر از سه روز می‌توان اعتکاف کرد به طوری که آن زیاده، قسمتی از یک روز یا قسمتی از یک شب باشد.

آیت الله تبریزی: مانعی ندارد.

31- س: کسی که پنج روز در اعتکاف بوده، آیا روز ششم بر او واجب است؟ آیت الله تبریزی: واجب است.

مکان اعتکاف

32- اعتکاف تنها در مسجد صحیح است، بنابراین اگر کسی در خانه خود یا در تکیه، یا حسینیه یا در حرم معتکف شود صحیح نیست و از مساجد نیز تنها در این مساجد، اعتکاف صحیح است؛

مسجد الحرام

مسجد النبی صلی الله علیه و آله

مسجد جامع کوفه

مسجد بصره (12)

و به قصد رجاء (یعنی به نیت مطلوب بودن و به امید پاداش و ثواب) می‌توان در مسجد جامع هر شهر معتکف شد. (13)

33- در این مسأله فرقی بین مردان و زنان نیست، بنابراین اگر دختران و بانوان بخواهند معتکف شوند، باید در یکی از همین مساجد باشد.

34- س: آیا اعتکاف در غیر مساجد جامع، مثل نمازخانه دانشگاه‌ها رجاء اشکال دارد یا نه؟ در صورت صحت، آیا احکام اعتکاف، از قبیل ترک محرمات جاری می‌شود یا خیر؟

آیت الله خامنه‌ای: رجاء اشکالی ندارد.

آیت الله بهجت: ظاهراً جایز نیست و احکام اعتکاف را ندارد.

آیت الله فاضل: اعتکاف در مسجد جامع رجاء صحیح است و در غیر از مساجد جامع جایز نیست.

آیت الله سیستانی: مشروع نیست و احکام آن را ندارد.

آیت الله مکارم: اعتکاف باید فقط در مساجد جامع باشد و منظور از مسجد جامع، مسجدی است که قشرهای مختلف شهر در آن شرکت کنند.

آیت الله تبریزی: اعتکاف باید در مسجد جامع شهر باشد و اعتکاف در غیر مساجد جامع صحیح نیست.

35- س: آیا انسان می‌تواند نذر کند که در شهر دیگری معتکف شود؟

آیت الله تبریزی: مانعی ندارد، باید روزه‌اش در آنجا صحیح باشد و نذر اعتکاف در شهر دیگر، نذر روزه نیست.

36- اگر در یک شهر، دو یا چند مسجد جامع وجود داشته باشد، در هر کدام که بخواهد می‌تواند معتکف شود.

37- اگر جای خاصی از مسجد را برای اعتکاف خود مشخص کند، چنین قصدی لغو است، و لازم نیست حتماً در آنجا معتکف شود.

38- اگر معتکف جنب شود و با حال جنابت در مسجد بماند، اعتکاف او باطل است. چون توقف او در مسجد، حرام است. (14)

39- اگر جای شخص دیگری را غصب کند، یا عمداً بر فرش غصبی بنشیند، هر چند گناه کرده است ولی اعتکافش باطل نیست. (15)

40- اگر کسی از روی فراموشی یا جهل به مسأله، بر فرش غصبی بنشیند، اعتکاف باطل نیست.

41- س: اگر جای کسی را که معتکف بوده غصب کند، فرموده‌اند اعتکاف او باطل است، حال اگر جاهل بود یا عامد بود و حال پشیمان شده و جای خود را عوض کند، اعتکاف او صحیح است یا خیر؟ در صورت عمد آیا کفاره دارد یا خیر؟
آیت الله بهجت: در فرض مذکور اعتکاف او صحیح است و در صورت بطلان کفاره ندارد.

آیت الله خامنه‌ای: اعتکاف صحیح است و کفاره هم ندارد.

آیت الله سیستانی: عمدا هم اگر باشد اعتکاف صحیح است.

آیت الله فاضل: علی ای حال اعتکاف صحیح است.

آیت الله مکارم: اگر جاهل به موضوع باشد، اعتکافش صحیح است ولی اگر غصب بودن را می‌دانسته و حکم اعتکاف را نمی‌دانسته، اعتکاف او صحیح نیست و توبه در اینجا مشکل را حل نمی‌کند.

آیت الله تبریزی: چنانچه غافل بوده اعتکافش صحیح است و اگر جاهل متردد بوده یا عامد بوده اعتکافش صحیح نیست، لکن کفاره ندارد.

42- س: اگر کسی را که زودتر از او به مسجد رفته، بیرون کند و جایش را بگیرد، اعتکافش صحیح است یا نه؟

آیت الله صافی گلپایگانی: بنابر احتیاط، اعتکاف او باطل می‌شود، باید اگر اتمام اعتکاف بر او واجب شده، آن را تمام نماید و اگر اعاده آن، واجب است، پس از اتمام اعاده نماید.

آیت الله بهجت: اگر مکان منحصر به آنجا باشد بنابر اقوی اعتکافش باطل است.

آیت الله مکارم: خالی از اشکال نیست.

آیت الله فاضل: بلی اعتکاف او صحیح است و بطلان آن محل منع است.

43- س: آیا گذاشتن وسائل یا نوشتن نام و امثال آن موجب سبقت در محلی از مسجد می‌شود؟

آیت الله مکارم: هر گاه به موقع در مسجد حضور یابند بعید نیست موجب حق سبق باشد.

آیت الله بهجت: می‌شود.

تعریف مسجد جامع

44- س: تعریف مسجد جامع چیست؟

آیت الله گلپایگانی: مسجد جامع، مسجدی است که اغلب اوقات بیشتر از سایر مساجد جمعیت داشته باشد.

آیت الله خامنه‌ای: مسجدی که برای اجتماع زیادی از اهالی آنجا ساخته شده و اختصاص به گروه خاصی یا اهالی محله ای نداشته باشد.

45- جامع بودن مسجد را از این راه ها می‌توان فهمید: (16)

خود انسان یقین کند.

به طوری بین مردم مشهور باشد که جامع بودن آن معلوم شود (17).

دو نفر عادل بگویند (18).

و چنانچه دو نفر در جامع بودن مسجدی اختلاف داشته باشند، با حکم حاکم نیز معلوم می‌شود (19).

46- اگر انسان در جایی به اعتقاد اینکه مسجد جامع است معتکف شود، بعدا معلوم شود مسجد نیست (مثلا تکیه یا حسینیه است) یا مسجد جامع نیست، اعتکاف باطل است.

حدود مسجد

47- پشت بام و سرداب و محراب مسجد، و هر چه به سبب توسعه مسجد، افزوده شده جزو مسجد به حساب می‌آید، مگر آنکه بدانیم، جزو مسجد نیست. (20)

[در صورت شک، چنین جاهایی، حکم مسجد را دارد.]

48- به جز سه مکانی که در مسأله قبل گفته شد، جایی را که انسان نداند جزو مسجد است یا از متعلقات آن، (مثل حیاط مسجد) حکم مسجد را ندارد (21) و اعتکاف در آنجا صحیح نیست.

49- س: مسجدی که علاوه بر شبستان، دارای حیاط و صحن و راهرو است و در عرف همه آن‌ها را مسجد می‌خوانند، آیا احکام مسجد بر آنها جاری است یا نه، و در صورتی که قصد بانی معلوم نباشد، ساختن مستراح و امثال آن در یک طرف آن صحن چه صورت دارد، دلیل و قرینه بر عدم مسجدیت لازم است یا نه؟
آیت الله گلپایگانی: با شک در آنکه صحن را جزء مسجد قرار داده، اگر اماره‌ای (علامت، نشانه ای) بر مسجد بودن نباشد، محکوم به مسجدیت نیست، و اماره بر عدم، لازم نیست.

خروج از مسجد

50- در موارد ذیل معتکف می‌تواند از مسجد خارج شود:

برای شهادت در دادگاه.

برای تشییع جنازه، (25) (در صورتی که میت یک نحو وابستگی به معتکف داشته باشد به طوری که شرکت در تشییع جنازه او از ضرورت‌های عرفی او به حساب آید).

برای انجام سایر کارهای ضروری عرفی یا شرعی، خواه واجب باشد یا مستحب، مربوط به امور دنیوی باشد یا اخروی ولی مصلحتی در آن نهفته باشد. (26)

51- در این موارد، بر معتکف واجب است از مسجد خارج شود:

برای انجام غسل جنابت.

برای پرداخت طلب دیگران، در صورتی که نتواند در مسجد آن را بپردازد.

برای انجام کار واجب دیگری که لازم باشد از مسجد خارج شود.

52- کسی که خارج شدن از مسجد بر او واجب شده باشد ولی تخلف کند و خارج نشود، هر چند گناه کرده است ولی اعتکاف باطل نیست، مگر کسی که با حال جنابت در مسجد توقف کند.

53- اگر به جهت ضرورت از مسجد خارج شد، این امور را باید مراعات کند: بیش از مقدار ضرورت و نیاز بیرون مسجد نماند.

در صورت امکان زیر سایه ننشیند، (27) بلکه مطلقاً ننشیند، مگر در حال ضرورت. بنابر این احتیاط واجب نزدیک‌ترین راه را انتخاب کند. (28)

54- اگر به جهت ضرورت از مسجد خارج شود و به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف بر هم بخورد، اعتکاف باطل است.

55- اگر به سبب فراموشی از مسجد خارج شود، اعتکافش باطل نیست. (29)

56- س: اگر کسی از روی فراموشی محل اعتکاف را ترک کند، اعتکافش چه حکمی دارد؟

آیت الله تبریزی: ظاهر این است که اعتکافش باطل می‌شود.

57- س: در چه مواردی خروج از مسجد مبطل اعتکاف است؟ و در چه مواردی مبطل نیست؟

آیت الله صافی: اگر عمداً و اختیاراً بدون ضرورت عقلی یا شرعی یا عادی خارج شود، اعتکاف باطل می‌شود و اگر برای اموری که ذکر شد بیرون رود یا او را اکراه بر بیرون رفتن نمایند باطل نمی‌شود، ولی اگر نسیاناً از راه فراموشی بیرون رفت اگر اتمام آن واجب شده باشد، تمام کند و اگر اعاده واجب باشد اعاده نماید.

آیت الله بهجت: خروج از مسجد با عمد و اختیار مبطل است.

آیت الله مکارم: عمداً و اختیاراً نباید از مسجد خارج شود، ولی در مواردی که ضرورت شرعی یا عرفی داشته باشد مانعی ندارد، مانند بیرون رفتن برای قضای

حاجت و غسل جنابت و مانند آن یا امثال تشییع جنازه نزدیکانی که اگر در آن شرکت نکند امر شایسته‌ای نیست.

58- س: در مواردی که می‌توان از مسجد خارج شد آیا می‌توان نشست یا در سایه رفت یا در جماعت حاضر شد؟

آیت الله صافی: جواز بیرون رفتن برای جماعت مورد اشکال است.

59- س: خارج شدن معتکف از مسجد در موارد ذیل چه حکمی دارد؟ الف: برای وضو و غسل مستحبی و مسواک زدن.

ب: جهت تلفن زدن به خانواده در موارد غیر ضروری و امور متعارف.

ج: جهت دیدار با خانواده در بیرون و در حیاط.

آیت الله خامنه‌ای: الف- جایز است اما زیاد معطل نشود.

ب- در موارد ضروری اشکالی ندارد و در موارد غیر ضروری اگر امور مستحبی را در بر بگیرد و طول هم نکشد اشکالی ندارد. ج- در بعضی موارد اشکالی ندارد، مثل رسیدگی امور خانواده و دیدن فرزندان که عدم دیدار باعث مفسده و اشکالاتی می‌شود.

آیت الله بهجت: ضابطه کلی در موارد جواز خروج نیست، هر کاری که خروج برای آن عقلا یا شرعا یا عادتاً لازم است از امور واجبه باشد یا راجحه چه متعلق به امور دنیا باشد یا امور آخرت ولی باید اقرب طرق را مراعات نماید و اقتصار کند بر مقدار حاجت و ضرورت، البته خروج هم به قدری طول نکشد که محو صورت اعتکاف شود.

آیت الله سیستانی: به احتیاط واجب جایز نیست، مگر در مورد حاجت ضروری باشد.

آیت الله تبریزی: خارج شدن معتکف از مسجد در موارد مذکور جایز نیست.

آیت الله فاضل: مانعی ندارد، ولی تلاش کنند این امور با سرعت انجام شده و هر چه سریعتر به مسجد برگردند.

آیت الله مکارم: الف- برای وضو و غسل مستحبی اشکالی ندارد و برای مسواک که مقدمه آن باشد نیز اشکالی ندارد.

ب- اشکال ندارد.

ج- اشکال دارد.

محرمات اعتکاف

60- آنچه بر معتکف حرام است به طور اجمال بدین شرح است:

استفاده از عطریات و گیاهان خوشبو

خرید و فروش

مجادله

استفاده شهوانی از جنس مخالف

استمناء (یعنی انسان با خود کاری کند که از او منی بیرون آید).

توضیح محرمات اعتکاف

61- بوئیدن عطریات⁽³⁰⁾ و گیاهان خوشبو برای کسی که از آن لذت می‌برد در حال

اعتکاف حرام است، پس برای کسی که حس بویایی ندارد اشکال ندارد.

62- در حال اعتکاف، خرید و فروش و بنابر احتیاط واجب، هر نوع داد و ستدی،

مانند اجاره و مضاربه حرام است.

63- هر چند داد و ستد در حال اعتکاف حرام است، ولی باطل کننده اعتکاف

نیست.

64- اشتغال به امور دنیوی، مانند خیاطی، نساجی، نقاشی، مطالعه و امثال آن اشکال

ندارد.

65- در حال اعتکاف مجادله در امور دنیوی و دینی در صورتی که به قصد غلبه بر

طرف مقابل و اظهار فضیلت و برتری باشد حرام است، اما اگر به قصد اظهار حق و

بازداشتن طرف از طریق باطل باشد نه تنها حرام نیست، بلکه از افضل طاعات و

عبادات است.

66- هر گونه استفاده شهوانی از جنس مخالف، نظیر لمس، بوسه⁽³¹⁾ و آمیزش

حرام است و فرقی در این مساله بین زن و مرد نمی‌باشد.

67- در حال اعتکاف نگاه از روی شهوت به همسر خود اشکال ندارد، هر چند احتیاط مستحب ترک آن است.

68- استمناء نیز بنابر احتیاط واجب از محرمات اعتکاف شمرده شده است، هر چند از راه حلال آن، مانند بازی با همسر باشد. گرچه استمناء در هر حال حرام و از گناهان بزرگ است، ولی در حال اعتکاف گناهی بزرگتر است.

69- معتکف باید روزها را روزه دار باشد و از هر کاری که روزه را باطل می‌کند، پرهیز کند و هر آنچه روزه را باطل می‌کند، اعتکاف را نیز باطل می‌کند.

70- اگر معتکف جماع کند اعتکافش باطل است ولی اگر یکی دیگر از محرمات را مرتکب شود، ⁽³²⁾ احکام مفصلی دارد که در بحث «قضا و کفاره اعتکاف» خواهد آمد.

71- بر معتکف واجب نیست از کارهایی که بر مُحَرَّم حرام است، مثل پوشیدن لباس دوخته و کندن مو از بدن و نگاه در آینه پرهیز کند، هر چند احتیاط مستحب ⁽³³⁾ است.

72- بجز مبطلات روزه، سایر محرمات، اختصاص به روز ندارد، بلکه در شب نیز باید از آنها پرهیز کند.

73- س: عطر و گلاب زدن یا بو کردن عطر و گلاب، اعتکاف را باطل می‌کند یا خیر؟

آیت الله تبریزی: استعمال عطر و گلاب چنانچه مستلزم بو کردن آن باشد، هر چند بر معتکف حرام است لکن بطلان اعتکاف از جهت آن محل اشکال است و اگر معتکف در روز سوم این کار را کرده باید اعتکافش را تمام کند.

آیت الله سیستانی: بو کردن آنها اعتکاف را باطل می‌کند.

آیت الله بهجت: اگر با تلذذ باشد بنابر احتیاط باطل می‌شود و احتیاط واجب در صورت وجوب اعتکاف [آن است که] آن را تمام کند و سپس قضا نماید.

74- س: آیا در صورت نیاز می‌تواند خرید و فروش نماید؟ آیا توکیل یا نقل به غیر بیع لازم است (یعنی به شخص دیگری وکالت دهد تا از طرف او خرید و فروش کند یا به غیر خرید و فروش، مثلاً با قرض یا بخشش نقل و انتقال کنند)؟
 آیت الله مکارم: در صورت عدم امکان توکیل یا نقل به غیر بیع اشکالی ندارد.
 آیت الله بهجت: در صورت اضطرار برای حاجت خودش مانعی ندارد.

75- س: ارتکاب سهوی محرمات اعتکاف چه حکمی دارد؟
 آیت الله فاضل لنکرانی: ارتکاب سهوی سائر محرمات غیر از جماع، ضرری به اعتکاف نمی‌زند.

آیت الله مکارم: خالی از اشکال نیست.
 آیت الله بهجت: ارتکاب سهوی، حرام و مبطل نیست.

قطع اعتکاف

76- برای شناخت حکم قطع اعتکاف باید اقسام آن را شناخت.

اقسام اعتکاف:

واجب معین: پس از شروع قطع آن جایز نیست.
 واجب موسع: پس از تکمیل دو روز، قطع آن جایز نیست.
 مستحب: پس از تکمیل دو روز، قطع آن جایز نیست.
 توضیح:

اگر اعتکاف، واجب معین باشد، یعنی وقت مشخص داشته باشد، مثلاً نذر کند از 21 تا 26 ماه رمضان در مسجد معتکف شود، همین که اعتکاف را شروع کرد اتمام آن واجب و قطع آن غیر جایز است.

و اگر اعتکاف، واجب موسع باشد، یعنی وقت آن وسعت دارد، مثلاً نذر کرده باشد که امسال، یا در این ماه سه روز معتکف شود، یا اعتکاف مستحب باشد، تا قبل از تکمیل دو روز می‌تواند آن را رها کند، مثلاً در روز اول، شب اول یا روز دوم، ولی

اگر اعتکاف را رها نکرد و در مسجد ماند تا غروب روز سوم در این صورت، بر او واجب است که اعتکاف را کامل کند و روز سوم را بماند.

77- انسان می‌تواند از آغاز، هنگام نیت، شرط کند که اگر مشکلی پیش آمد - مثلاً بگوید اگر هوا سرد شد- اعتکاف را رها می‌کنم، در صورت پیش آمدن مانع، رها کردن اعتکاف اشکال ندارد، حتی در روز سوم.

78- در اعتکاف نذری، انسان می‌تواند هنگام خواندن صیغه نذر شرط کند که اگر مانعی پیش آمد اعتکافم را رها کنم.

79- س: آیا معتکف می‌تواند به هنگام نیت اعتکاف شرط کند که هر زمان خواست از اعتکاف خود رجوع کند؟ اگر بعد از نیت حکم شرط خود را ساقط نمود، آیا شرط او ساقط می‌شود یا خیر؟

آیت الله تبریزی: می‌تواند شرط کند و با اسقاط ساقط نمی‌شود.

80- س: اگر شرط رجوع در وقت نذر کردن برای اعتکاف باشد چه حکمی دارد؟
آیت الله تبریزی: مثل شرط کردن در زمان نیت اعتکاف است و چنانچه اعتکاف را به عنوان وفاء به نذر مزبور انجام دهد، حتی در روز سوم می‌تواند رجوع کند.

قضاء و كفاره اعتكاف

قضاء

81- اگر در حال اعتکاف جماع کند- عمدًا باشد یا سهوا،⁽³⁴⁾ اگر اعتکاف، واجب معین باشد، باید قضای آن را بجا آورد و اگر واجب غیر معین باشد، باید آن را از سر بگیرد.

82- اگر یکی دیگر از محرمات اعتکاف را سهوا انجام دهد⁽³⁵⁾ و اعتکاف واجب معین باشد، بنابر احتیاط واجب باید اعتکاف را به پایان ببرد و قضای آن را بجا آورد.

واجب غیر معین باشد: اگر در دو روز اول باشد باید اعتکاف را از سر بگیرد و اگر روز سوم باشد، اعتکاف را به پایان برد و از سر بگیرد.

اگر اعتکاف مستحب را بعد از روز دوم باطل کند، باید (36) قضای آن را بجا آورد، ولی اگر قبل از اتمام روز دوم باطل کند، چیزی بر عهده او نیست.

83- واجب نیست قضای اعتکاف را فوراً (37) بجا آورد، گرچه احتیاط مستحب است.

84- س: اگر کسی نذر کند ایام معینی را معتکف باشد و از آن ایام معین تخلف نماید- یک روز یا بیشتر- آیا قضاء بر او واجب است یا خیر؟

آیت الله تبریزی: بنابر احتیاط، قضای آن واجب است.

کفاره

85- اگر اعتکاف واجب را با آمیزش (جماع) باطل کند، کفاره واجب است و در سایر محرمات کفاره نیست، هر چند احتیاط مستحب است.

86- اگر در دو روز اول اعتکاف مستحب، آمیزش کند و اعتکاف را رها نکند بنابر احتیاط واجب کفاره لازم است.

87- کفاره بطلان اعتکاف، مانند کفاره روزه ماه رمضان است، یعنی باید:

- دو ماه روزه بگیرد.

- یا به 60 مسکین، طعام بدهد.

- یا یک برده را آزاد کند.

88- احتیاط مستحب است (38) که اگر ممکن است یک برده آزاد کند و در صورت ناتوانی دو ماه روزه بگیرد و چنانچه نتواند روزه بگیرد، به 60 فقیر طعام بدهد.

پی نوشت ها:

1. آیت الله سیستانی: ایمان شرط صحت اعتکاف نیست، هر چند در استحقاق ثواب معتبر است.

آیت الله مکارم: ایمان شرط قبول اعتکاف است نه صحت آن.

شرط ایمان در فتاوی حضرت آیت الله صافی ذکر نشده است.

2. آیت الله گلپایگانی: اعتکاف به نیابت از زنده بنابر احتیاط واجب صحیح نیست.

آیت الله مکارم: اعتکاف به نیابت از دیگری، زنده یا مرده، به قصد رجاء اشکال ندارد.

حکم اعتکاف به نیابت از زنده در فتاوی حضرت آیت الله صافی ذکر نشده است.

3. آیت الله مکارم: روزه استیجاری بنابر احتیاط واجب کفایت نمی کند.

آیت الله فاضل: بنابر احتیاط واجب، روزه برای دیگری خواه استیجاری باشد یا مثلاً قضای روزه پدر که پسر بزرگتر واجب است باشد اگر اعتکاف برای همان کسی که برایش روزه می گیرد نیست کفایت نمی کند.

4. آیت الله فاضل: اگر نذر کرده باشد که ایام معینی معتکف شود نمی تواند برای آن ایام روزه استیجاری قبول کند.

5. آیت الله گلپایگانی: مگر آنکه هر دو روزه را قصد کند که در این صورت، اعتکافش صحیح است هر چند به جهت مخالف با نذر گناه کرده است. نظر حضرت آیت الله صافی به دست نیامد.

6. آیت الله اراکی: نسبت به دو روز اول اجازه لازم است.
7. آیت الله گلپایگانی، آیت الله صافی: اجازه لازم است و اگر موجب از بین رفتن حق او نباشد، اجازه او برای اعتکاف لزومی ندارد ولی بدون اجازه شوهر نمی تواند از خانه بیرون رود. بنابر این جایز بودن اعتکاف بستگی به اجازه شوهر دارد و چنانچه اجازه ندهد، اعتکاف باطل است.
- آیت الله سیستانی: اگر توقف او در مسجد بدون اجازه شوهر حرام باشد، اعتکافش باطل است.
8. آیت الله گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب، ولی اگر فرزند را نهی کنند و مخالفت با آنان سبب اذیت و آزارشان باشد اعتکاف باطل است.
9. آیت الله اراکی: نسبت به فرزند اجازه والدین شرط است و نسبت به زن اجازه شوهر بنابر احتیاط واجب لازم است.
10. آیت الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب تا مغرب.
- آیت الله مکارم: تا غروب آفتاب.
11. آیت الله سیستانی: اگر همین اعتکاف مستحبی معروف را نذر کرده باشد باطل است، ولی اگر این اعتکاف نباشد، مثلاً مقصودش ماندن در مسجد باشد، صحیح است.
12. در روایتی آمده است، اعتکاف تنها در مساجدی صحیح است که پیامبر یا وصی پیامبر در آن نماز جماعت خوانده باشد و در دو مسجد اول پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و در دو مسجد دیگر حضرت علی علیه السلام نماز جماعت خوانده اند و اعتکاف در مسجد جامع نیز در برخی روایات دیگر آمده است (وسائل الشیعه، ج 7، ص 406).

13. آیات عظام، گلپایگانی، اراکی، سیستانی، صافی، مکارم: اعتکاف در مسجد جامع نیز صحیح است هر چند احتیاط آن است که در یکی از آن چهار مسجد معتکف شود.

15. آیات عظام گلپایگانی، اراکی، صافی: بنابر احتیاط واجب اعتکافش باطل است. آیت الله مکارم: به احتیاط واجب، اعتکافش باطل نیست.

16. نظر آیت الله صافی در این مساله به دست نیامد. x

17. آیت الله سیستانی: یا اطمینان حاصل شود.

18. آیات عظام فاضل، مکارم: یک نفر عادل هم بگوید کفایت می کند.

19. آیت الله گلپایگانی، آیت الله اراکی: به هر حال، حکم حاکم کفایت می کند. آیت الله مکارم: حکم حاکم بنابر احتیاط واجب کافی نیست.

20. آیت الله سیستانی: در صورتی که نشان های بر اینکه جزء مسجد است وجود داشته باشد حکم مسجد را دارد.

آیت الله صافی: افزوده های مسجد، تا معلوم نشود جزء مسجد است حکم مسجد را ندارد.

21. آیت الله سیستانی: اگر نشان های بر مسجد بودن آن وجود نداشته باشد.

آیت الله مکارم: مگر آنکه ظاهر حال دلالت داشته باشد که جزو مسجد است.

22. آیت الله مکارم: اعتکاف در دو مسجد متصل به هم اشکال ندارد.

23. آیت الله مکارم: اعتکاف باطل نیست و ادامه آن را در مسجد دیگری به پایان به برد.

24. آیت الله مکارم: به حاشیه مساله قبل مراجعه شود.

25. آیات عظام اراکی، گلپایگانی: خارج شدن از مسجد برای شرکت در تشییع جنازه مطلقاً جایز است.

26. آیت الله اراکی: برای شرکت در نماز جماعت نیز می تواند از مسجد خارج شود.

آیت الله سیستانی: در صورتی که ناچار باشد بیرون رود.

27. آیات عظام، گلپایگانی، اراکی: و زیر سایه راه نرود.

آیت الله صافی: بنابر احتیاط واجب زیر سایه راه نرود و مطلقاً زیر سایه ننشیند.

28. آیت الله مکارم: انتخاب نزدیک‌ترین راه واجب نیست، مگر آنکه اختلاف دو راه بسیار زیاد باشد.

20. آیت الله سیستانی: باطل است.

آیت الله گلپایگانی: بنابر احتیاط واجب باطل است.

30. آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم: نسبت به عطریات لذت بردن معتبر.

نیست، پس اگر به وی آن را احساس کند، هر چند لذت نبرد حرام است.

آیت الله فاضل: اگر بو را احساس می‌کند ولی لذت نمی‌برد، بنابر احتیاط واجب باید پرهیز کند.

31. آیات عظام مکارم، سیستانی، صافی: لمس و بوسه، بنابر احتیاط واجب حرام است.

آیت الله گلپایگانی، آیت الله مکارم: بنابر احتیاط واجب اعتکاف باطل است.

آیت الله سیستانی: جماع نیز حکم سایر محرمات را دارد.

33. آیت الله مکارم: نسبت به نپوشیدن لباس دوخته و پوشیدن لباسی مانند لباس

احرام، احتیاط مستحب نیست بلکه بهتر است نپوشند، چون خلاف عمل افراد متشرع و ممکن است گمان بدعت نیز داشته باشد.

34. آیت الله گلپایگانی: اگر در اعتکاف واجب، سهوا جماع کند، بنابر احتیاط واجب، اعتکاف را دوباره انجام دهد.

35. آیت الله گلپایگانی: احتیاط در تمام موارد ترک نشود. x

36. آیت الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب.

37. آیت الله سیستانی: ولی به قدری تاخیر نیندازد که سهل انگاری به شمار آید.

اعمال ایام البیض (۱۳، ۱۴، ۱۵ رجب)

شب سیزدهم

مستحب است در هر یک از ماه رجب و شعبان و رمضان، در شب سیزدهم دو رکعت نماز اقامه شود که در هر رکعت حمد یک مرتبه و یس و تَبَارَكَ الْمَلِکُ و توحید خوانده شود و در شب چهاردهم چهار رکعت یعنی دو نماز دو رکعتی به همان کیفیت و در شب پانزدهم شش رکعت، به سه سلام، به همان کیفیت. از حضرت صادق 7 روایت است که هر کس این اعمال را انجام دهد همه فضایل این سه ماه را دریابد و همه گناهانش غیر از شرک آمرزیده شود.

روز سیزدهم

اول روز از ایام البیض است و ثواب بسیاری برای روزه این روز و دو روز بعد وارد شده و اگر کسی قصد انجام اعمال اُمّ داوُد را دارد، باید این روز را روزه بگیرد و در این روز، بنا بر قول مشهور، بعد از سی سال از عام الفیل ولادت با سعادت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در میان کعبه مُعَظَّمَه واقع شده است.

اعمال شب نیمه ماه رجب

شب نیمه ماه رجب، شب شریفی است و در آن انجام چند عمل ذکر شده است:

1. غسل
2. احیاء آن شب به عبادت.
3. زیارت امام حسین علیه السلام. (اگر از نزدیک میسر نشد از دور زیارت شود).
4. شش رکعت نماز که در شب سیزدهم ذکر شد.

5. اقامه سی رکعت نماز که در هر رکعت حمد و ده مرتبه سوره توحید قرائت شود. این نماز را سید بن طاووس از حضرت رسول اکرم صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم نقل کرده است که فضیلت بسیار دارد.

6. دوازده رکعت نماز که هر دو رکعت به یک سلام ختم می‌شود که در هر رکعت هر یک از سوره‌های حمد، توحید، فلق، ناس، آیت الکرسی و قدر چهار مرتبه قرائت شود، و بعد از سلام چهار مرتبه گفته شود:

«اللّٰهُ اللّٰهُ رَبِّیْ لَا أُشْرِكُ بِهِ شَیْئًا وَلَا اتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِیًّا». و پس از اتمام نماز، اقامه کننده آن، هر حاجتی که دارد را از خداوند متعال درخواست کند. این نماز را سید بن طاووس از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.

ولی شیخ در مصباح ذکر کرده که داود بن سرحان از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که ایشان فرمود:

در شب نیمه رجب دوازده رکعت نماز اقامه کنید که در هر رکعت حمد و سوره یک بار تلاوت شود و پس از اتمام نماز، سوره‌های حمد و معوذتین و سوره اخلاص و آیت الکرسی را چهار مرتبه تلاوت می‌کنید و سپس ذکر «سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ» چهار مرتبه گفته شود.

پس از آن ذکر «اللّٰهُ اللّٰهُ رَبِّیْ لَا أُشْرِكُ بِهِ شَیْئًا وَ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ» گفته شود.

انجام این عمل برای شب بیست و هفتم رجب نیز توصیه شده است.

اعمال روز نیمه رجب

این روز، روز مبارکی است و برای آن روز انجام چند عمل توصیه شده است:

1. کافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ج 2، ص 561.

1. غسل.
 2. زیارت حضرت امام حسین علیه السلام. از ابن ابی بصیر نقل شده است که گفت از امام رضا علیه السلام پرسیدم که در چه ماهی امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم؟ حضرت فرمودند: در نیمه رجب و نیمه شعبان.
 3. اقامه نماز سلمان
 4. اقامه چهار رکعت نماز که دو تا دو رکعتی خوانده شود و بعد از سلام دست خود را بلند کند و بگوید:
«اللَّهُمَّ يَا مُدِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ ؛ وَ يَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِي الْمَذَاهِبُ؛ وَاَنْتَ بَارِئُ خَلْقِي رَحْمَتُ بِي وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا وَلَوْ لَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَاَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي وَلَوْ لَا نَصْرُكَ أَبَايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَمُنْشِئَ الْبَرَكَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوحِ وَالرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَائُوهُ بَعِزُّهُ يَتَعَزَّوْنَ وَ يَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلِّ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ الَّتِي اشْتَقَّقْتُهَا مِنْ كِبْرِيَاكَ وَ أَسْأَلُكَ بِكِبْرِيَاكَ الَّتِي اشْتَقَّقْتُهَا مِنْ عِزَّتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ فَهُمْ لَكَ مُدْعِنُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ».
- روایت شده است که هر کسی که غمی دارد، اگر این دعا را بخواند، خداوند او را از اندوه و غم آسایش بخشد.

5. عمل ام داود که عمده اعمال این روز است و برای برآمدن حاجات و برطرف شدن غصه‌ها و دفع ظلم ظالمان مؤثر است و کیفیت آن بنا بر آنچه در مصباح شیخ آن است که وقتی که فردی بخواهد این عمل را بجا آورد، روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بگیرد و در روز پانزدهم

نزدیک ظهر غسل کند و وقت زوال ظهر، نماز ظهر و عصر را بجا آورد، در حالتی که رکوع و سجودشان را نیکو انجام دهد و در مکانی خلوت قرار بگیرد که چیزی او را مشغول نسازد و کسی با او سخن ننماید. وقتی نماز به اتمام رسید، رو به قبله بنشیند و صد مرتبه سوره حمد، صد مرتبه سوره اخلاص، و ده مرتبه آیه الکرسی را قرائت کند. سپس سوره‌های انعام، بنی اسرائیل، کهف، لقمان، یس، صافات، حم سجده، حمعسق، حم دخان، فتح، واقعه، ملک، ن و اذا السماء انشقت و تا آخر قرآن را قرائت کند و پس از اتمام، در حالی که رو به قبله است، دعای ذیل را نجوا کند.

صَدَقَ اللهُ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الْبَصِيرُ الْخَبِيرُ شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَبَلَغْتَ رُسُلَهُ الْكِرَامَ وَآنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ. اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الْمَجْدُ وَ لَكَ الْعِزُّ وَ لَكَ الْفَخْرُ وَ لَكَ الْقَهْرُ وَ لَكَ النُّعْمَةُ وَ لَكَ الْعِظَمَةُ وَ لَكَ الرَّحْمَةُ وَ لَكَ الْمَهَابَةُ وَ لَكَ السُّلْطَانُ وَ لَكَ الْبَهَاءُ وَ لَكَ الْأَمْتِنَانُ وَ لَكَ التَّسْبِيحُ وَ لَكَ التَّقْدِيسُ وَ لَكَ التَّهْلِيلُ وَ لَكَ التَّكْبِيرُ وَ لَكَ مَا يَرَى وَ لَكَ مَا لَا يَرَى وَ لَكَ مَا فَوْقَ السَّمَوَاتِ الْعُلَى وَ لَكَ مَا تَحْتَ الثَّرَى وَ لَكَ الْأَرْضُونَ السُّفْلَى وَ لَكَ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى وَ لَكَ مَا تَرْضَى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ وَالنُّعْمَاءِ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى جِبْرِئِيلَ أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ وَالْقَوَى عَلَى أَمْرِكَ وَالْمُطَاعِ فِي سَمَاوَاتِكَ وَ مَحَالِّ كَرَامَاتِكَ الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ النَّاصِرِ لِأَنْبِيَائِكَ الْمُدْمَرِ لِأَعْدَائِكَ.

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مِيكَائِيلَ مَلِكِ رَحْمَتِكَ وَالْمَخْلُوقِ لِرَأْفَتِكَ وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِينِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ وَ صَاحِبِ الصُّورِ الْمُتَنْظَرِ لِأَمْرِكَ الْوَجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خِيفَتِكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ الطّاهِرِينَ وَعَلَى السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ الطَّيِّبِينَ وَعَلَى
مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَعَلَى مَلَائِكَه الْجِنِّ اِنْ وَخَزَنَةِ النَّيْرَانِ وَمَلِكِ الْمَوْتِ
وَالْأَعْوَانِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اَبِينَا اَدَمَ بَدِيعِ فَطْرَتِكَ الَّذِي كَرَّمْتَهُ
بِسُجُودِ مَلَائِكَتِكَ وَابْحَثْهُ جَنَّتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اُمَّنَا حَوَّاءَ الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرَّجْسِ
اَلْمُصْفَاةِ مِنَ الدَّنَسِ الْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْاَنْسِ الْمُتَرَدِّدَةِ بَيْنَ مَحَالِّ الْقُدْسِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى
هَابِيلَ وَشِيثَ وَادْرِيسَ وَنُوحَ وَهُودَ وَصَالِحَ وَابْرَاهِيمَ وَاسْمَاعِيلَ وَاسْحَقَ وَ
يَعْقُوبَ وَيُوسُفَ وَالْأَسْبَاطَ وَلُوطَ وَشُعَيْبَ وَأَيُّوبَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَيُوشَعَ وَ
مِيشَا وَالْحَضِرَ وَذِي الْقَرْنَيْنِ وَيُونُسَ وَالْيَاسَ وَالْيَسَعَ وَذِي الْكُفْلِ وَطَالُوتَ وَدَاوُدَ
وَسُلَيْمَانَ وَزَكَرِيَّا وَشُعْبَا وَيَحْيَى وَتُورَخَ وَمَتَّى وَارْمِيَا وَحِفْقُوقَ وَدَانِيَالَ وَغُزَيْرَ وَ
عِيسَى وَشَمْعُونَ وَجَرَجِيسَ وَالْحَوَارِيِّينَ وَالْأَتْبَاعَ وَخَالِدَ وَحَنْظَلَةَ وَلُقْمَانَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى اِبْرَاهِيمَ وَآلِ اِبْرَاهِيمَ اَنْتَكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ.
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَوْصِيَاءِ وَالسُّعَدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَائِمَّةِ الْهُدَى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَبْدَالِ
وَالْاَوْتَادِ وَالسِّيَاحِ وَالْعِبَادِ وَالْمُخْلِصِينَ وَالزُّهَادِ وَاهْلِ الْجِدِّ وَالْاَجْتِهَادِ وَاخْصَصْ مُحَمَّدًا
وَاهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَاجْزَلِ كَرَامَاتِكَ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ مِنِّي تَحِيَّهً وَسَلَامًا
وَزَدَةً فَضْلًا وَشَرَفًا وَكَرَمًا حَتَّى تُبَلِّغَهُ أَعْلَى دَرَجَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ
وَالْأَفْاضِلِ الْمُقَرَّبِينَ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مَنْ سَمَّيْتُ وَمَنْ لَمْ أَسْمِ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَانْبِيَايِكَ
وَرُسُلِكَ وَاهْلِ طَاعَتِكَ وَأَوْصِلْ صَلَوَاتِي إِلَيْهِمْ وَإِلَى أَرْوَاحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ
وَاعْوَانِي عَلَى دُعَاكَ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَيْكَ وَبِكِرَمِكَ اِلَى كَرَمِكَ وَبِجُودِكَ اِلَى جُودِكَ وَبِرَحْمَتِكَ
اِلَى رَحْمَتِكَ وَبِهِ اَهْلَ طَاعَتِكَ اِلَيْكَ وَاسْأَلُكَ اَللّٰهُمَّ بِكُلِّ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ مِنْ
مَسْئَلَةٍ شَرِيفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ وَبِهِ مَا دَعَوْتُكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ

یا اللَّهُ یا رَحْمَنُ یا رَحِیمُ یا حَلِیمُ یا کَرِیمُ یا عَظِیمُ یا جَلِیلُ یا مُنِیلُ یا جَمِیلُ یا کَفِیلُ یا
وکیلُ یا مُقِیلُ یا مُجِیرُ یا خَیبرُ یا مُنیرُ یا مُبیرُ یا مُنِیعُ یا مُدِیلُ یا مُحِیلُ یا کَبِیرُ یا قَدِیرُ یا
بَصِیرُ یا شَکُورُ یا بُرُّ یا طَہْرُ یا طاهرُ یا قاهرُ یا ظاہرُ یا باطنُ یا سائرُ یا مُحِیطُ یا مُقَدِّرُ
یا حَفِیظُ یا مُتَجَبِّرُ یا قَرِیبُ یا وَدُودُ یا حَمِیدُ یا مَجِیدُ یا مُبَدِئُ یا مُعِیدُ یا شَہِیدُ یا
مُحْسِنُ یا مُجَمِّلُ یا مُنْعِمُ یا مُفْضِلُ یا قَابِضُ یا بَاسِطُ یا هادیُ یا مُرْسِلُ یا مُرْشِدُ یا
مُسَدِّدُ یا مُعْطِیُ یا مانِعُ یا دافعُ یا رافعُ یا باقیُ یا وافیُ یا خَلَّاقُ یا وَهَّابُ یا تَوَّابُ یا
فَتَّاحُ یا نَفَّاحُ یا مُرْتاحُ یا مَنْ بَیْدهُ کُلُّ مُفْتاحُ یا نَفَّاعُ یا رَوْفُ یا عَطُوفُ یا کافیُ یا شافیُ
یا مُعافیُ یا مُکافیُ یا وَفِیُّ یا مُهْمِنُ یا عَزِیزُ یا جَبَّارُ یا مُتَکَبِّرُ یا سَلامُ یا مُؤْمِنُ یا أَحَدُ یا
صَمَدُ یا نُورُ یا مُدَبِّرُ یا فَرْدُ یا وَثَرُ یا قُدُّوسُ یا ناصِرُ یا مُونسُ یا باعْثُ یا وارِثُ یا عَالِمُ
یا حاکِمُ یا بادیُ یا مُتعالیُ یا مُصَوِّرُ یا مُسَلِّمُ یا مُتَجَبِّبُ یا قَائِمُ یا دَائِمُ یا عَلِیمُ یا حَکِیمُ
یا جَوَادُ یا باریءُ یا بَارُّ یا سَارُّ یا عَدْلُ یا فَاصِلُ یا دِیانُ یا حَنانُ یا مَنانُ یا سَمِیعُ یا
بَدِیعُ یا خَفِیرُ یا مُعینُ یا ناشِرُ یا غافرُ یا قَدِیمُ یا مُسَهِّلُ یا مُیسِّرُ یا مُمِیتُ یا مُحْییُ یا
نافِعُ یا رازِقُ یا مُقَدِّرُ یا مُسَبِّبُ یا مُغِیْثُ یا مُعْنِیُ یا مُقْنِیُ یا خالِقُ یا راصِدُ یا واحِدُ یا
حاضرُ یا جابرُ یا حافظُ یا شَدِیدُ یا غِیاثُ یا عَائِدُ یا قابِضُ

یا مَنْ عَلَا فَاسْتَعْلٰی فَکَانَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلٰی یا مَنْ قَرَّبَ قَدَنَا وَ بَعَدَ فَنائِی وَ عِلْمَ السِّرِّ وَ
أَخْفٰی یا مَنْ إِلَیْهِ التَّدْبِیرُ وَ لَهُ الْمَقادِیرُ وَ یا مَنْ الْعَسِیرُ عَلَیْهِ سَهْلٌ یَسِیرُ یا مَنْ هُوَ عَلٰی ما
یَشَاءُ قَدِیرٌ یا مُرْسِلَ الرِّیاحِ یا فَالِقَ الْأَصْباحِ یا باعْثَ الْأَرْواحِ یا ذَا الْجُودِ وَالسَّماحِ یا رَأْدُ
ما قَدْ فَاتَ یا ناشِرَ الْأَمْواتِ یا جامعَ الشَّتاتِ یا رازِقَ مَنْ یَشَاءُ بِهِ غَیرَ حِسابٍ وَ یا
فاعِلَ ما یَشَاءُ کَیْفَ یَشَاءُ وَ یا ذَا الْجَلالِ وَالْأَکْرامِ یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا حَیًّا حَینَ لا حَیَّ یا
حَیُّ یا مُحْییَ الْمَوْتِیِ یا حَیُّ لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَدِیعُ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ یا اِلهی وَ سَیِّدِی
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ بَارِکْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ
مُحَمَّدٍ کَما صَلَّیْتَ وَ بَارَکْتَ وَ رَحِمْتَ عَلٰی إِبْrahیمَ وَ آلِ إِبْrahیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ

وَارْحَمْ ذُلِّي وَ فَاقَتِي وَ فَقْرِي وَ اَنْفِرَادِي وَ وَحْدَتِي وَ خُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَاعْتِمَادِي عَلَيْكَ وَ تَصَرُّعِي اِلَيْكَ اَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ الدَّلِيلِ الْخَاشِعِ الْخَائِفِ الْمُشْفِقِ الْبَائِسِ الْمُهِنِ الْحَقِيرِ الْجَائِعِ الْفَقِيرِ الْعَائِذِ الْمُسْتَجِيرِ الْمُقِرُّ بِذَنْبِهِ الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ الْمُسْتَكِينِ لِرَبِّهِ دُعَاءَ مَنْ اسْلَمْتُهُ ثِقَتُهُ وَ رَفَضْتُهُ احْبَبْتُهُ وَ عَظُمْتُ فَجِيعَتُهُ دُعَاءَ حَرَقِ حَزِينِ ضَعِيفِ مِهِنِ بَائِسِ مُسْتَكِينِ بِكَ مُسْتَجِيرِ اَللّٰهُمَّ وَ اسْئَلُكَ بِاَنَّكَ مَلِيكٌ وَ اَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ اَمْرٍ يَكُونُ وَ اَنَّكَ عَلٰى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ.

وَ اسْئَلُكَ بِه حرمت هذا الشهر الحرام وَاَلْبَيْتِ الْحَرَامِ وَ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ الْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ وَ بِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ يَا مَنْ وَهَبَ لَادَمَ شَيْثًا وَ لِابْرَاهِيمَ اسْمَاعِيلَ وَ اسْحَاقَ وَ يَا مَنْ رَدَّ يُوْسُفَ عَلٰى يَعْقُوبَ وَ يَا مَنْ كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ ضُرَّ اَيُّوبَ يَا رَادَّ مُوسٰى عَلٰى اُمِّهِ وَ زَانِدَ الْخَضِرِ فِي عِلْمِهِ وَ يَا مَنْ وَهَبَ لِداوُدَ سُلَيْمَانَ وَ لَزَكَرِيَّا يَحْيٰى وَ لِمَرْيَمَ عِيسٰى يَا حَافِظَ بِنْتِ شُعَيْبٍ وَ يَا كَافِلَ وَلَدِ اُمِّ مُوسٰى اسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُغْفِرَ لِيْ ذُنُوبِيْ كُلَّهَا وَ تُجِيرَنِيْ مِنْ عَذَابِكَ وَ تُوجِبَ لِيْ رِضْوَانَكَ وَ اَمَانَكَ وَ احْسَانَكَ وَ غُفْرَانَكَ وَ جَنَانَكَ وَ اسْئَلُكَ اَنْ تُفَكِّ عَنِّيْ كُلَّ حَلَقَةٍ بَيْنِيْ وَ بَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِيْ وَ تَفْتَحَ لِيْ كُلَّ بَابٍ وَ تُكَلِّمَ لِيْ كُلَّ صَعْبٍ وَ تُسَهِّلَ لِيْ كُلَّ عَسِيرٍ وَ تُخْرِسَ عَنِّيْ كُلَّ نَاطِقٍ بِشَرٍّ وَ تَكْفُفَ عَنِّيْ كُلَّ بَاغٍ وَ تَكْتَبَ عَنِّيْ كُلَّ عَدُوٍّ لِيْ وَ حَاسِدٍ وَ تَمْنَعَ مِنِّيْ كُلَّ ظَالِمٍ وَ تَكْفِينِيْ كُلَّ عَائِقٍ يَحُولُ بَيْنِيْ وَ بَيْنَ حَاجَتِيْ وَ يُحَاوِلَ اَنْ يَفْرِقَ بَيْنِيْ وَ بَيْنَ طَاعَتِكَ وَ يُثَبِّطَنِيْ عَنْ عِبَادَتِكَ يَا مَنْ اَلَجَمَ الْجَنِّ الْمُتَمَرِّدِيْنَ وَ قَهَرَ عُنَاتِ الشَّيَاطِيْنَ وَ اَذَلَّ رِقَابَ الْمُتَجَبِّرِيْنَ وَ رَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَلِّطِيْنَ عَنْ الْمُسْتَضْعَفِيْنَ اسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلٰى مَا تَشَاءُ وَ تَسْهِيْلِكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ اَنْ تَجْعَلَ قَضَاءَ حَاجَتِيْ فِيمَا تَشَاءُ.

پس از نجوا نمودن این دعا، فرد به سجده رود و دو طرف صورت خود را بر روی زمین و خاک بگذارد و بگوید:

اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ اَمَنْتُ فَاَرْحَمْ ذُلِّي وَفَاقَتِي وَاجْتِهَادِي وَتَضَرُّعِي وَ مَسْكَنَتِي وَ
فَقْرِي اِلَيْكَ يَا رَبِّ.

توصیه شده است که در سجده اشک ریخته شود ولو به اندازه سر سوزنی که این
علامت استجابت دعا می باشد.

تاثیر اقامه نماز در شفای دردها

آن چیزی که شفای همه دردهاست، اقامه نماز است. اقامه نماز با خواندن نماز متفاوت است. در قرآن اقروا الصلوه نداریم، ولی اقاموا الصلوه داریم. اقامه نماز با حضور قلب حاصل می شود و اگر کسی بخواهد اقامه نماز نماید، باید تا جایی که در توانش است در نماز حاضر باشد. البته در دو جای قرآن آمده «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا»، ولی در مورد نماز دستور حضور قلب داده شده و رسول مکرم اسلام فرمودند: لاصلوه الا به حضور القلب.

میوه اقامه نماز چند چیز است: از بین رفتن خوف و حزن، نجات از فحشاء و منکر. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ». کلام امام صادق علیه السلام در تفسیر برهان: «الفحشاء هو الاول و المنکر هو الثانی». اگر کسی باطن نماز را قوی کند، کم کم ظاهر او هم قوی شده و از فحشاء و منکر ظاهری هم دور خواهد شد.

سوره مریم: «نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی کردند». یعنی اگر کسی بخواهد شهوت و غضب را کنترل کند باید اقامه نماز کند و اولین قدم در اقامه نماز اقامه وضو است.

خداوند متعال در قرآن فرموده: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا». قرآن کریم آب را پاک کننده معرفی کرده است. آب رجس را برطرف میکند. آب در قرآن کریم دارای هفت مرتبه است. آب مثل مومن است: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ الْمُخْلِصِ كَمَثَلِ الْمَاءِ».

1. طلاق، 7.

2. عنکبوت، 45.

3. مریم، 59.

4. فرقان، 48.

5. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، ج 1، ص 354.

رمز اینکه آب پاک کننده است این است که بی رنگ است. مومن هم وقتی بی رنگ شد، مطهر و پاک کننده می شود. آب در یک مرتبه همان آب ظاهری است. از امام صادق سلام الله علیه سوال شد: طعم آب چیست؟ فرمودند: «طعم الحیوه»¹.

باطن و تاویل آب محبت حضرات اهل بیت : است. ظاهر آب بدن و جسم انسان را پاک می کند. انسان با آب وضو می گیرد، غسل میکند، ولی باطن آب اگر مربوط به نفس باشد محبت است.

مولا علی علیه السلام: حب الله ماء؛ یعنی محبت الهی باطن انسان را پاک می کند. (ملکوت آب). ولی باطن آب اگر مربوط به قلب باشد، علم است. (معارف آل الله)

نتیجه می گیریم که 3 نوع آب داریم: ظاهری، باطنی، قلبی
کسی که وضوی قلبی بگیرد، دیگر کینه و نفرت و .. نخواهد داشت. علت وضو گرفتن از زبان مبارک امام رضا 7: برای اینکه فواد شما پاک باشد، چون می خواهید میان دو دست خداوند متعال بایستید.

حالا وضو را شرح می دهیم:

دست ها را بشویید. دست راست آخرت و دست چپ دنیا است. یعنی دست از دنیا و آخرت بشویید. در نماز به فکر کشف حجاب و بهره های آن نباشید، دنبال غیر خدا نباشید.

شستن صورت: از تمام وجود انسان صورت و قلب برای خداست. صورت چون مال خداست، آن را می شویم و پاک می کنیم. بهترین جای بدن از لحاظ ظاهری صورت است، ولی در حقیقت بهترین جا قلب است.

اولین کار حضرت مهدی 7 هم اقامه نماز است. نماز خلایق از قرائت به اقامه تبدیل می شود.

1 . تفسیر نور الثقلین، العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، ج 3، ص 427.

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ».

دست راست را بشوید: دست راست اصحاب یمین است. یعنی روی سر همه آنها دست بکشید و تمام آنها را دوست داشته باشید. تمام کسانی که محب اهل بیت هستند را باید دوست داشت. اگر کسی این طور شد و با کسی مشکل نداشته باشد، حضور قلب بالاتری در نماز دارد.

دست چپ را بشوید: دست چپ اصحاب شمال است. کفار، منافقین، یهودی، مسیحی و .. روی سر همه این‌ها هم باید دست کشید و با آنها مدارا کرد تا جایی که بر ما مسلط نشوند.

حافظ: آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است * با دوستان مروت با دشمنان مدارا

مسح سر را بکشید: سر محل فرود ملائکه الهی است و باید آن را برای نزول ملائک تطهیر نمود.

پای راست را مسح کنید: پا برای عالم حیوانات است. روی پای راست باید دست کشید، یعنی می‌گوئیم ای حیوانات حلال گوشت، من از گوشت شما استفاده می‌کنم تا قوت بگیرم و قیام لله کنم.

پای چپ را مسح کنید: مربوط به حیوانات حرام گوشت است، یعنی از گوشت آنها استفاده نمی‌کنم و کاری هم به آنها ندارم ولی در صورت لزوم از خود آنها استفاده می‌کنم.

از عواملی که موجب آرامش باطنی انسان است، نماز است و علت آن هم این که عطش انسان را در ارتباط با خالق تامین می‌کند، انسان هیچ گاه نمی‌تواند از نماز مستغنی بشود و حتی زمانی هم که به عالم بالا انتقال پیدا می‌کند باز هم سیر در نماز

پیدا خواهد کرد. گرچه پیامبر مکرم اسلام حقیقت نماز هستند آنجا هم تماشای وجود مبارک حضرت، اقامه نماز عبد خداست. در اینجا هم غایت نماز ملاقات حضرت رسول است. زمانی کار انسان به آخر می رسد که ایشان را زیارت نماید و البته آرامش باطنی انسان و خروج از نفس با این ملاقات حاصل خواهد شد. علت این قضیه این است که قرآن کریم ایشان را ذکر معرفی کرده است. در بصائر الدرجات آمده: از معصوم علیه السلام سوال شد: فاسئلوا اهل الذکر یعنی چه؟ فرمودند: الذکر رسول الله و نحن اهل الذکر^۱. در قرآن آمده: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲. تبعیت از پیامبر مکرم اسلام انسان را به مرحله وصال می برد. الآن هم که ما به زیارت حضرات ائمه : می رویم، به خاطر آن است که به ملاقات آقا رسول الله به رویم.

امام رضا 7: «مَنْ زَارَنِي كَمَنْ زَارَ رَسُولُ اللَّهِ»^۳. پس مقصد اعلی در زیارت ائمه : زیارت رسول گرامی خداست.

نمونه بارز این مساله هم جناب سلمان محمدی 7 است که ایشان هم چون با حقیقت حضرت آشنا شده بودند، سیر آسانی داشتند و قرب ایشان هم از همه اصحاب بالاتر بود. اصلاً حضرت رسول برای شریعت آسان مبعوث شده اند. اگر کسی می خواهد در معاشرت با مردم ملایم باشد و دارای اخلاق آرام باشد، باید به ملاقات پیامبر برود و راه ملاقات ایشان هم نماز است.

بالاترین مزدی که در اقامه نماز هست، ملاقات با سید کائنات است.

¹ . امالی، صدوق، ص 532.

² . رعد، 28.

³ . تهذیب الأحکام، طوسی، محمد بن الحسن، ج 6، ص 108.

کتاب شریف «نهج الفصاحه» تمام اخلاق و رفتار نبوی است و اگر کسی آن را مطالعه نماید، می فهمد که راه رفتن با حضرت چقدر آسان است. محضر پیامبر، محضر قرب الهی و آسان است. ولی خب باید از در وارد شد. «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا». بزرگان هم فرموده اند؛ اول نهج البلاغه را کار کنید، بعد نهج الفصاحه.

سوره بقره: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»^۱. در تفاسیر آمده که صبر وجود مبارک پیامبر اسلام و 6 صلاه امام علی 7 است.

از دوستان مرحوم انصاری همدانی نقل شد: ما هرچه بهره بردیم از سجده های طولانی قبل از نماز صبح است.

سوره فتح: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا»^۲. کلمه سجده باطن پیامبر اسلام است. در قرآن کلمه سجده و مشتقات او 92 مرتبه آمده و 92 یعنی محمد.

سجده یعنی غرق در خدا شدن، غیر خدا را ندیدن. راه خوش اخلاقی سجده طولانی نیمه شب است. شیطان ملعون هم دو جا نعره میزند: ملاقات اخوان و سجده. بالاترین وسیله ای که برای سیر رسول گرامی اسلام بوده اقامه نماز است و البته بالاترین عمل ایشان هم سجده است. در سجده همواره خدا را شکر می کردند.

اقامه نماز، الوهیت انسان را که قرآن به کبر تعبیر نموده از بین می برد. از امام رضا 7 درباره علیت تشریع نماز سوال شد، فرمودند: اقرار به ربوبیت الهی. الان تمام سختی های زندگی برای کمبود اقرار به ربوبیت خداست. غیر خدا را خلع کنیم، در برابر خدا بایستیم و متواضع باشیم، خاضع باشیم، اعتراف به خدایی خدا و بندگی

¹ . تحف العقول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ص 430

² . بقره، 45

³ . فتح، 29

خود نماییم. طلب کنیم و از گناهان آزاد شویم، دائما یاد خدا باشیم و او را فراموش نکنیم. در روز 5 مرتبه صورت بر خاک گذاشته و خدا را بزرگ بدانیم. اساس کار، بزرگ دانستن خداست. طغیان نکنیم.

تأثیر اقامه نماز در آرامش

در عالم میثاق خداوند متعال از همه ما سوال نموده است که آیا من خدای شما هستم؟ ما هم جواب دادیم: قالوا بلی. امام کاظم علیه السلام فرمودند: صلوات تجدید میثاق با خداوند است. یعنی راه قبول کردن ربوبیت الهی، تسلیم محمد و آل محمد شدن است.

یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث آرامش باطنی انسان است، اقامه نماز است. بقره 275: ان الذین امنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة لهم اجرهم عند ربهم و لاخوف علیهم و لاهم یحزنون.

اگر دقت شود در آیه فوق، چند محور برای آرامش ذکر شده است: 1- ایمان به خدا 2- عمل صالح 3- اقامه نماز 4- پرداخت زکات. حدود 112 آیه از قرآن کریم به مساله نماز اختصاص دارد ولی 32 آیه از آیات الهی به زکات پرداخته؛ و تا کسی اقامه نماز نکند، نمی تواند اهل زکات باشد. در کتاب فلاح السائل سید ابن طاووس: امام صادق علیه السلام: نماز 4000 فرع فقهی دارد.

حقیقت نماز مشاهده جمال رسول گرامی اسلام است، مشاهده اخلاق و افکار و افعال نبوی است. تمام انبیاء و اولیاء نماز می خوانده اند، ولی کامل ترین نماز، نمازی است که پیامبر اکرم 6 اقامه می کرده اند.

تعبیر حضرت رسول اکرم 6 از نماز: 1- الصَّلَاةُ خَيْرُ مَوْضُوعٍ¹ 2- من از دنیای شما 3 چیز را دوست دارم: عطر، حب زنان، نماز.

آیت الله بهجت: یعنی انسان لذتی که از زن می برد، می تواند لذتی بالاتر از آن را از نماز تحصیل کند. 3- جُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ². یعنی خنکی چشم من در نماز

1. مکارم الاخلاق، طبرسی، حسن بن فضل، ص 472.

2. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ج 2، ص 144.

است. حافظ: در نمازم خم ابروی تو در یاد آمد. 4- الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ¹. نماز انسان را به «قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُنُوًّا وَافْتِرَابًا مِنْ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى»² می رساند و آدم متقی را به درجه قرب الهی می رساند. چیزی که آرزوی همه ماست: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»³، در نماز حاصل می شود. 5- مثل نماز مانند گرسنگی برای گرسنه و تشنگی برای تشنه است و من کسی ام که هیچ گاه از نماز سیر نخواهم شد.

خلاصه مطلب اینکه نماز آنقدر مهم است که امیرالمومنین 7 فرمودند: «وَأَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ»⁴. بدان که تمام اعمال تو از نمازت پیروی می کند. یعنی هر چیزی از اعمال انسان از نمازش سرچشمه می گیرد. اگر نماز به خوبی اقامه شود، انسان اخلاقش آرام خواهد شد، معارف و سیر او تکمیل می شود و اضطراب در راه خدا از بین می رود.

همگی ما می خواهیم با آقا رسول الله به سمت خدای متعال به رویم چون مقصود فقط خداست. حالا در ورود کدام است؟ «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَى بَابِهَا»⁵. رسول مکرم اسلام 120 معراج داشته اند و آن معراجی که در سوره اسراء آمده، آن معراج آخر است که در آن دستورات در باب ولایت حضرت امیرالمومنین علی ابن ابی الطالب آمده است. بهترین هدیه معراجیه حضرت بعد از ولایت علوی، نماز است. اصلاً نماز یعنی اخلاق محمدی 6.

1 . کافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ج 3، ص 265.

2 . دعای ندبه.

3 . انشقاق، 6.

4 . نهج البلاغه، نامه 27.

5 . تحف العقول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ص 430.

در زیارت وارث آمده: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ^۱». یعنی امام حسین علیه السلام وجود پیامبر اعظم را اقامه نمودند. خلاصه آن که نماز مشاهده خوبان خداست، مشاهده جمال امام حسین 7 است. در کامل الزیارات آمده: دو رکعت نماز در حرم سیدالشهدا 7 قبول و او اهل بهشت است.

سوره معارج: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا أَلَا الْمُصَلِّينَ^۲». خداوند انسان را حریص آفریده، اگر به او زیان و سختی برسد، بی‌قراری می‌کند و اگر خوبی به او رو کند منع احسان می‌کند به غیر از نمازگزاران واقعی که خصوصیات آنها عبارت‌اند از:

«الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ... وَ الَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ... وَ الَّذِينَ هُمْ لِقُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ... وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ ... وَ الَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَتِهِمْ قَائِمُونَ ... وَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ^۳».

انسان باید برای اقامه نماز فراغت حاصل نماید. از حضرت رسول اکرم 6 سوال شد: چگونه در نماز حضور داشته باشیم؟ آقا فرمودند: در وضو حضور داشته باشید.

سوره انشراح: «إِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ^۴». که فراغت ظاهری قضای حاجت است و فراغت باطنی فارغ شدن از دنیا و مافی‌ها است. شرح صدر لازم است و آغاز شرح صدر هم میل به رفتن است. بنابراین نماز سه ویژگی مهم و اساسی دارد:

1 . کافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ج 4، ص 570.

2 . معارج، 19 - 22.

3 . همان، 23، 27، 29، 32، 33 و 34.

4 . انشراح، 7 و 8.

استمداد از نماز در برابر سختی‌ها و مشکلات

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» بعضی از این گرفتاری‌ها، اگر انسان وصل نباشد، حیات معنویش را ساقط می‌کند.

در این سختی‌ها انسان‌ها دو دسته می‌شوند:

دسته اول: کسانی که در گرفتاری‌ها مشکل را تبدیل به چند مشکل دیگر می‌کنند و در شکست‌ها سراغ مُسکِن می‌روند تا درد و مصیبت خود را التیام دهند مثلاً با موسیقی محرک یا فیلم مستهجن یا رمان عاشقانه سعی می‌کنن با مشکلات مبارزه کنند و فقط سطحی مشکلشان را حل می‌کنن و حال آن که لایه درونی مشکل باقیست و نهایتاً این طور انسان‌ها یا به افسردگی و مصرف دارو می‌رسن یا به خود کشی و... .

دسته دوم: انسان‌هایی که در مشکلات با اتصال به خالق خود و درک صحیح از دنیا که هتل استراحت نیست بلکه باشگاه استقامت است به دستور الهی طبق این ایه شریفه به نماز و روزه پناه می‌برند

«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»^۱.

طبق روایتی از امام صادق 7 که فرمود هرگاه مشکلی برایتان پیش آمد وضو بگیرید و وارد مسجد شوید و دو رکعت نماز بخوانید و در پایان نماز دعا کنید برای رفع گرفتاریتان... و ای کاش سر به سجده بگذاری و چند مرتبه با توجه بگویی یا فتاح و آنگاه ببینی که چه آرامشی وجودت را فرا می‌گیرد.

¹ . بلد، 4

² . بقره، 45

۲. اعطاء یک نوع آگاهی فوق آگاهی های طبیعی

چگونه نماز کلید خویشتن شناسی می شود؟

در حقیقت نماز کارش هوشیاری انسان است و او را از خیالات و توهّمات خارج نموده و در عالم حقایق وارد می کند بر همین اساس قرآن می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ».

بنابراین آیه سکر به مطلق ناهوشیاری تفسیر شده بنابراین نماز انسان را از مستی خارج نموده و به حقیقت هستی سوق می دهد.

۳. ارتقاء شخصیت به انسان می دهد

نماز به انسان هویت می بخشد انسانی که با نماز ارتباط برقرار می کند هرگز با یک زیبایی ظاهری و با دیدن یک صحنه و یا یک چشم و ابرو نمی رود با یک تراول رشوه همه چیز خود را به تاراج نمی گذارد.

«اقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ»

نماز انسان را از منجلاب بالا می کشد و کم کم او را به مرز تنفر از آلودگی و تنفر از گناه می کشاند، که اگر تمام دنیا هم به او داده شود حاضر به تخلف از فرامین خدای سبحان نمی شود، چون او جایگاه والای خود را به واسطه نماز یافته و می داند قیمت او فقط خود خداست، نه بهشت و ترس از جهنم. بنابراین نماز او را همت بلند عطا می کند. این نماز یک معجون است که هر کدام از اجزاء آن تاثیرات عجیبی بر قلب و فکر و جسم انسان می گذارد، که هرکس از این لطف الهی بی بهره باشد می بیند که چقدر تنزل شخصیت دارد و خود را به هر وسیله ای او آویزان می کند تا این کمبود

1. نساء، 43.

2. عنکبوت، 5.

ناشی از بی‌بهرگی از ارتباط با خالق هستی را جبران کند، اما می‌بینیم که به چه فلاکتی می‌افتد....

تأثیر سجده در قرب به پروردگار عالم

در قرآن کریم خداوند متعال خلق را به 3 دسته تقسیم کرده: اصحاب شمال، اصحاب یمین، به مقصد رسیدگان (مقربون، مقربین).

تمام مراحل که در راه خدا وجود دارد در این 3 مرتبه خلاصه شده است:

1- طی کردن دنیا 2- راه پیدا کردن به آخرت 3- قرب به پروردگار و در جوار قرب الهی آرام گرفتن.

اهل دنیا همواره به فکر جسم و بدن خود می‌باشند، در حالی که اهل آخرت به فکر برزخ، قیامت، سوال و جواب قبر و کیفیت حشر و این گونه مسائل هستند و به فکر روح و تهذیب نفس هستند. اما کسانی که در جوار قرب الهی‌اند، به دلیل احاطه خداوند بر تمام اشیای عالم، هم روح آن‌ها شاداب است و هم بدن آن‌ها در آسایش است. چون روح آن‌ها اتصال به حضرت حق دارد و بدنشان هم تابع روح و سیر قلبی آن‌هاست. مقربون و مقربین به خدا نزدیک نشده‌اند، بلکه چون این دو اسم مفعول هستند، یعنی خداوند متعال به آن‌ها نزدیک می‌شود. آن‌ها کسانی‌اند که لحظه‌ای خداوند متعال از آن‌ها جدا نمی‌باشد.

البته خداوند متعال با همه است؛ «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ». ولی فرق مقربین با افراد دیگر آن است که آنها این مطلب را کاملاً درک می‌کنند و می‌دانند که خدا با آن‌هاست. به خاطر همین مطلب، در آرامش باطنی به سر می‌برند. تقلا و کوشش

بدنی آنها کم می‌شود. در ضمن کوشش بدنی آنها از اهل آخرت هم کمتر است، چون اهل آخرت در راهند ولی آنها به مقصد رسیده‌اند. در ضمن شدت حرکت مقربین مربوط به قلب آنهاست، نه مربوط به بدن، بدن وسیله است.

ما در نماز با بدن رو به قبله می‌ایستیم ولی کسی که توجه قلبی دارد به هیچ عنوان قابل مقایسه با کسی که فقط بدنش رو به قبله است نمی‌باشد.

وجود مطهر امام جواد علیه السلام فرمودند: «الْقَصْدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْقُلُوبِ أْبْلَغُ مِنْ إِيْعَابِ الْجَوَارِحِ بِالْأَعْمَالِ»^۱. کسی که با قلب به سوی خدای متعال حرکت کند، سرعتش بیش‌تر است از کسی که با بدنش به سوی خدا می‌رود.

چون قلب جایگاه خداوند متعال است «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ»^۲ پس توجه قلبی نزدیک‌ترین راه برای توجه به خداست. البته این مطلب به معنای انجام ندادن نوافل و مستحبات نیست، بلکه آرام آرام کم می‌شود. آنها اکتفا به انجام واجبات و ترک محرمات می‌کنند، ولی دائما در محضر خداوند متعال هستند. مهم توجه قلبی است که قلب بداند هر لحظه در محضر ذات اقدس الهی است. مرحوم آیت الله شاه آبادی، استاد عرفان امام خمینی؛ می‌فرماید: عبادات جوارحیه مقدمه است برای اینکه توجه به خدا در مملکت قلب انسان ملکه شود برای وجود انسان.

اگر کسی سیره حضرات ائمه؛ را مطرح کند می‌گوییم خود آن حضرات فرمودند: لایقاس بنا. کسی را با ما مقایسه نکنید. حالا چگونه نزدیکی او را ادراک کنیم؟ هو معکم اینما کنتم. حلقه اتصال مقربین به خدا اقامه نماز است. پیامبر اسلام فرمودند:

^۱. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، ص 134.

^۲. جامع الاخبار، شعیری، محمد بن محمد، ص 185.

«الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ^۱». اگر کسی بخواهد به قرب الهی برسد باید اقامه نماز کند.

البته نماز برای هرکسی قرب آور نیست. نماز فقط برای متقین قرب آور است.

در نماز بالاترین حلقه اتصال به خدای متعال سجده است. در آیه آخر سوره علق آمده: «وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ^۲». دقت لازم است؛ فرمودند و اقرب، یعنی نزدیک شو، و اقترب یعنی قبول کن که خدای متعال به شما نزدیک است.

«إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ^۳». این خطاب به رسول اکرم است و تنها جایی در قرآن است که قل آورده نشده است. اگر گفته شود نزدیک شو یعنی خدا به ما نزدیک نیست. خدای متعال از هر نزدیکی به ما نزدیکتر است و ما از هر دوری به خدا دورتریم، ولی اگر بخواهیم نزدیکی خداوند را به خودمان حس کنیم، طبق آیات الهی باید سجده کنیم. تمام شیرینی آیه آخر سوره علق، و اقترب است، یعنی نزدیکی خدا را حس کن.

اقترب از باب افتعال است و باب افتعال در قرآن برای پذیرش می آید. در این آیه هم خداوند به ما می خواهد بفرماید: ای بندگان من نمی خواهد به دنبال من باشید، من از هر نزدیکی به شما نزدیکترم، فقط شما قبول کنید.

حالا راز سجده چیست که این قدر خاصیت دارد؟ راز سجده این است که دیگر انسان خودش را نمی بیند. زمانی که خودش را نبیند، می تواند جمال الهی را تماشا نماید. اوج ذلت عبد زمانی است که بهترین جای بدنش را خاک مال نماید.

^۱ . کافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ج 3، ص 265.

^۲ . علق، 19.

^۳ . بقره، 186.

علامت اینکه انسان هنوز اقتراب را قبول نکرده، این است که از غیر خدا وحشت دارد. خلاصه اینکه سجده بزرگ‌ترین مانع بین عبد و مولا را که کبر باشد، از بین می‌برد.

امام صادق 7: سجده منتهای بندگی و عبادت بنی آدم است.

حضرت امام علی 7: سجده؛ یک سجده جسمانی است که سر به خاک می‌گذاریم، سجده دیگر، سجده نفسانی است، این که قلب از فانیات غافل شود. اولین مرحله سجده نفسانی این است که امور دنیوی و نفسانی را توجه نداشته باشیم. سجده یعنی فراغت قلب از امور فانی. یعنی دل به باقیات سپردن. کسی که واقعا سجده کرده باشد، دیگر کبر ندارد، یعنی قطع علایق دنیوی. سجده یعنی متخلق شدن به اخلاق نبوی. سجده عالی باعث متخلق شدن به اخلاق نبوی می‌شود. هرچه سجده عالی‌تر باشد، اخلاق انسان هم بهتر می‌شود.

